



زنده باد فریده آرمان! زنده باد انسانیت!

حسن صالحی

صفحه ۱۲

حلقه اصلی خود حزب است

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد پلنوم ۴۴ کمیته مرکزی حزب

صفحه ۲

سقوط سوخوی روسی و پی آمدهای آن

علی جوادی

صفحه ۳

وزن سیاسی کارگر در جامعه بالا رفته است

مصاحبه با اصغر کریمی درباره قطعنامه درمورد جنبش کارگری
مصوب پلنوم ۴۴ حزب

صفحه ۴

اعلام ورشکستگی اخلاقی اروپا، معامله کثیف با ترکیه

سیامک بهاری

صفحه ۹

گزارش کوتاهی از مراسم اهدا جایزه به فریده آرمان

آذرپویا

صفحه ۱۲

ما باید از سکولاریسم دفاع کنیم!

گفتگو با مینا احدی

صفحه ۱۶

از ما میپرسند:

آیا در جامعه کمونیستی اختیار و ابتکار وجود دارد؟

کاظم نیکخواه پاسخ می دهد:

صفحه ۱۵

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۳۷

جمعه ۱۳ آذر ۱۳۹۴، ۴ دسامبر ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

داعشی حیا کن!

مرزها را به روی مبارزین علیه تروریسم
باز کنید!

در ضرورت دفاع جهانی
از جعفر عظیم زاده!

صفحه ۵

اتحادیه پست کانادا خواستار آزادی
جعفر عظیم زاده، سعید شیرزاد،
کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی شد

صفحه ۱۳

آزادی واحد سیده

پس از گذراندن ۲ سال حبس!

صفحه ۱۳

نگاهی به اخبار آذربایجان

آبان ۱۳۹۴

شهلا خباز زاده عضو کمیته آذربایجان حزب

کمونیست کارگری

صفحه ۱۰



حلقه اصلی خود حزب است

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد پلنوم ۴۴ کمیته مرکزی حزب

انترناسیونال: در اواسط ماه نوامبر پلنوم ۴۴ حزب برگزار شد. بنظر شما این پلنوم چه ویژگیهایی داشت و بر چه مسائلی تاکید گذاشت؟

حمید تقوایی: يك موضوع بحث و بررسی در پلنوم اخیر، به روال همیشه، وضعیت سیاسی ایران و جهان و موقعیت و اولویتهای حزب در این دوره بود. قطعنامه هایی در مورد اوضاع سیاسی جهان و ایران در پلنوم تصویب شد که متن آنها منتشر شده است. پلنوم در عین حال قرارهای متعددی در مورد ضرورت به روز کردن تشکیلات حزب، مساله تامین مالی حزب، آموزش حزبی و برگزاری سمینارها و کنفرانسهای علنی به تصویب رساند. اغلب این قرارها بوسیله کادرهای حزب پیشنهاد شده بودند و در خود پلنوم نیز کادرها نقش فعالی در بحث حول این مسائل ایفا کردند. به نظر من ویژگی پلنوم ۴۴ همین دخالتگری فعال کادرهای حزب در مباحث و مصوبات پلنوم بود. ما از چند هفته قبل از پلنوم صفحه فیسبوکی ویژه ای را به تدارک سیاسی پلنوم اختصاص داده بودیم و کادرها اسناد پیشنهادی خود را در این صفحه مطرح کرده و به بحث گذاشته بودند. میدانید که همه کادرهای حزب میتوانند اسنادی را، با تایید دو عضو کمیته مرکزی، برای تصویب به پلنوم ارائه بدهند و در جلسات پلنوم کمیته مرکزی شرکت کنند. در این پلنوم مجموعاً هفتاد کادر و عضو کمیته مرکزی شرکت داشتند و این فضای بسیار فعال و زنده ای به پلنوم داده بود. یازده سند در این پلنوم مورد بحث قرار گرفت و ده سند به تصویب رسید و این در تاریخ پلنومها و کنگره های حزبی يك رکورد است. اما اهمیت این امر تنها از نظر تعداد و کمیت اسناد نیست. این مصوبات بر مسائل و ضروریات عملی پیشروی حزب انگشت میگذارند و راه حلهای معینی را ارائه میدهند که در این دوره راهنمای کار هیات اجرائی و

کمیته های حزبی خواهد بود. من امیدوارم این اشتراك و دخالتگری فعال کادرها در سیاست گذاری و اجرای سیاستهای حزبی ادامه پیدا کند و گسترده تر بشود و بعد از این پلنوم کل حزب بتواند بر متن زمینه مساعدی که در ایران و منطقه و در کل جهان برای پیشرویهای چپ بوجود آمده با انرژی و توانی چند برابر گذشته به پیش برود.

انترناسیونال: در سند "پلاتفرمی برای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران"، که شما به پلنوم ارائه دادید يك فاکتور مهم اوضاع سیاسی ایران بعد از توافق هسته ای است. نظر شما درباره روند اوضاع سیاسی در ایران چیست و بعد از توافق هسته ای چه تغییراتی کرده است؟

حمید تقوایی: علاوه بر سندی که اشاره کردید در قطعنامه "در مورد وضعیت سیاسی ایران پس از توافقات هسته ای" که باتفاق آرا تصویب شد نیز مولفه های اصلی شرایط سیاسی جدید در ایران تبیین شده است. دو مولفه مهم در شرایط بعد از توافق هسته ای از نظر اقتصادی تشدید وخامت اوضاع اقتصادی علیرغم رفع تحریمها و از لحاظ سیاسی حادث شدن کشمکش و اختلاف جناحها بر سر رابطه با آمریکا و غرب است.

امروز حتی اعضای کابینه روحانی اعتراف میکنند که وضعیت اقتصادی وخیم تر خواهد شد و در مورد رکود شدید و حتی فلج اقتصادی هشدار میدهند. این یکبار دیگر صحت تحلیلهای حزب را در مورد بحران ساختاری اقتصاد جمهوری اسلامی نشان میدهد. ما بارها تاکید کرده ایم که این بحران با تحریمها شروع نشده و با رفع تحریمها نیز حل نخواهد شد. مساله اینست که استراتژی و هویت ضد غربی و ضد آمریکائی جمهوری اسلامی، که خامنه ای در این دوره حتی بیشتر از گذشته بر آن تاکید

میکند، به نوعی اقتصاد مافیائی مبتنی بر فعال مایشائی باندها و دارو دسته های قدرتمند اقتصادی در جمهوری اسلامی نظیر بیت رهبری و سپاه و غیره را شکل داده که با ملزومات کارکرد متعارف و سودآوری سرمایه گذاریهای که قرارست بعد از توافق هسته ای ظاهراً رونق پیدا کند، در تناقض قرار دارد.

از نظر سیاسی هم بعد از توافق هسته ای مساله رابطه با غرب که در واقع به شرایط حفظ قدرت و بقای جمهوری اسلامی مربوط میشود بیش از پیش به محور کشمکشها و اختلافات بین جناحهای حکومتی رانده میشود. جناح روحانی بقای جمهوری اسلامی را در تعامل بیشتر و گسترش رابطه با آمریکا و غرب میداند و خامنه ای و جناح اصولگرا برعکس معتقد است که هر درجه نزدیکی با غرب به تضعیف نظام جمهوری اسلامی منجر میشود. این در واقع کشمکشی بر سر استراتژی بقای حکومت است که يك پارادوکس و تناقض واقعی نظام جمهوری اسلامی را منعکس میکند. تناقض بین هویت و استراتژی ضد آمریکائی حکومت - که خصلت نما و شناسنامه جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی در منطقه و در عرصه سیاست در خود ایران است - از یکسو و نیاز به پذیرفته شدن به بازار اقتصاد و سیاست جهانی که از ملزومات بقای اقتصادی آنست، از سوی دیگر.

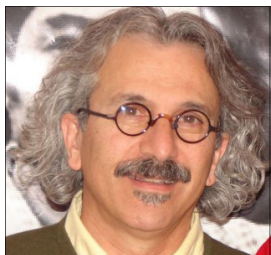
این پارادوکس و تناقض که از ابتدای روی کار آمدن حکومت - در همان دوره حادث شدن اختلاف بین جناح بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی - تا با امروز به اشکال مختلف وجود و ادامه داشته است همواره باعث کشمکش بین دار و دسته های مختلف حکومتی بوده است و به نظر من تا این حکومت بر سر کار است راه حلی نخواهد داشت. این تناقض تنها با بر افتادن جمهوری اسلامی حل خواهد شد.

اما فاکتور مهم و تعیین کننده ای که در شرایط سیاسی ایران باید در نظر داشت اعتراضات و مبارزات کارگران و توده مردم است. بعد از توافق هسته ای این مبارزات به چند دلیل گسترده تر خواهد شد. اول اینکه توده مردم توافق و نزدیکی با آمریکا را به بهتر شدن رفاه و وضعیت معیشتی و همچنین تضعیف اسلامیت و قوانین و فرهنگ و مقدسات اسلامی که حکومت بر جامعه تحمیل کرده است تعبیر و ترجمه میکنند و با این انتظار و توقع حکومت را بچالش میکشند. اما واقعیت اینست که کل حکومت، هیچیک از جناحهای حکومتی، نه میخواهد و نه میتواند به این انتظار و توقع مردم پاسخ بدهد. علت دیگر اینست که از لحاظ اقتصادی حتی اگر تحریمها تماماً بر طرف شود و سرمایه گذارها گسترش پیدا کند بمنظور تامین سودآوری و رقابت در بازار جهانی و داخلی لازمست سیاست ریاضتکشی اقتصادی با شدتی بیش از گذشته به اجرا در بیاید و این معنائی بجز تشدید فقر و فلاکت و بی تامينی اقتصادی نخواهد داشت. از لحاظ سیاسی هم رژیم خواهد کوشید با تشدید اختناق و سرکوبگری - که يك شاخص آن شکسته شدن رکورد اعدامها در دوره روحانی است - پخیال خود از گسترش اعتراضات توده مردم در فضائی که توافق هسته ای و گفتن عادی سازی رابطه با غرب ایجاد کرده است ممانعت کند. مجموع این شرایط تقابل و قطبنوی بین جامعه و حکومت، یا بعبارت دیگر مقابله کارگران و توده مردمی که جانشان به لب رسیده است با کل نظام جمهوری اسلامی را بیش از پیش تشدید خواهد کرد. این مبنای تحلیلی سیاستها و تاکتیکهای مبارزاتی و عملکرد حزب ما در دوره ایست که پیش رو داریم.

انترناسیونال: در سند اولویتهای بعنوان فاکتور دیگر از سر بلند کردن يك گرایش و جنبش اجتماعی سکولاریستی و مدرن در منطقه اسم برده اید. نقش این گرایش و رابطه آن را با آینده کمونیسم و جنبش کارگری در تحولات آتی منطقه چگونه می بینید؟

حمید تقوایی: به نظر من جنبش سکولاریستی که بیش از دو ماه است در عراق و اخیراً در افغانستان سر بلند کرده است جنبش بچالش کشیدن نه تنها دولتها و نیروهای اسلامی بلکه نظم نوین مذهب - قومی عشیرتی است که آمریکا و متحدینش تلاش کرده اند در منطقه خاورمیانه پیاده کنند. بهمین خاطر از نظر مضمون و اهداف عینی، این حرکت خصلتی ضد نظم نوین کاپیتالیستی دارد و در کمپ چپ و نقد کارگری وضعیت موجود قرار میگیرد. در مقطع اولین حمله آمریکا به عراق، جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱، منصور حکمت این واقعه را "طلوع خونین نظم نوین جهانی" نامید و اکنون بعد از نزدیک به سه دهه جنگ و آتش و خون در خاورمیانه توده مردمی که هدف مستقیم تهاجم و تحمیل این نظم خونین کاپیتالیستی بوده اند با پرچم سکولاریسم و مدنیت و جامعه و نظام مدنی بپا خاسته اند. این حرکت شاخه خاورمیانه ای جنبش چارلی ابلو در فرانسه و جنبش اشغال وال استریت در غرب است. آمریکا و متحدین غربی اش، به همراه روسیه و دولتها و نیروهای اسلامی در منطقه - ترکیه و عربستان و جمهوری اسلامی و دولت بشار اسد و داعش و غیره - در ایجاد شرایط فاجعه بار امروز در خاورمیانه نقش داشته اند. این نیروها اکنون در فضائی که ناکام ماندن استراتژی هژمونی طلبانه میلیتاریستی آمریکا ایجاد کرده است فعال شده و مشغول یارگیریها و تجدید یارگیریهای منطقه ای و

سقوط سوخوی روسی و پی آمدهای آن



علی جوادی

سرنگونی هواپیمای سوخوی روسی توسط فانتوم های ترکیه در مرز هوایی ترکیه - سوریه سرآغاز تنشی جدید در مناسبات منطقه ای و در ابعاد بین المللی شده است. این کشمکش به کجا می انجامد؟ تاثیر آن بر روندهای سیاسی جاری کدام است؟ به سؤالات متعددی در این زمینه باید پرداخت: کدام عواملی باعث روی آوری به چنین اقدام نظامی ای از جانب ترکیه شده است؟ مناسبات میان ترکیه و روسیه به کدام سو می رود؟ احتمال جنگ و رو در رویی نظامی در مناسبات میان کشورها و یا در سطح جهانی چقدر است؟ موقعیت منطقه ای و بین المللی ترکیه و روسیه دستخوش چه تحولاتی خواهد شد؟ اهداف این کشمکش کدام است؟

سقوط یک هواپیما

سقوط هواپیمای روسی توسط نیروی هوایی ترکیه چاشنی کشمکش مهم در سطح منطقه و در سطح بین المللی شده است که مدتهاست در اشکال متفاوت در جریان است. گاهی است که عملا کمرشتر را شکسته است. این اقدام بر خلاف ادعاهای دولت اسلامی ترکیه نمیتواند اقدامی غیرعمد و یا آنطور که دولت اردوغان ادعا میکند ناشی از عدم شناخت هویت هواپیمایی مورد نظر باشد. هواپیمایی که حتی بنا به ادعای ترکیه و یا ناتو و آمریکا حداقل چند ثانیه در محدوده آسمانی ترکیه بوده است، نمیتوانسته است که یک خطر نظامی برای ترکیه تلقی شود. در مناسبات بین المللی این اقدامی است که بارها و بارها میان کشورهای منطقه صورت میگیرد. اخیرا الکسی سیپراس، نخست وزیر یونان در حاشیه کنفرانس پاریس، اعلام کرده است که ترکیه خود هر روزه حرم هوایی یونان را نقض میکند و نیروی هوایی این کشور این هواپیماها را از محدوده فضایی یونان خارج میکنند، بدون اینکه الزاما این نقض حرم هوایی منجر به

سرنگونی هواپیماهای کشور مربوطه گردد. چند روز پیش نیز دولت اسرائیل اعلام کرد که یک هواپیمای روسی که بر فراز ارتفاعات جولان در پرواز بود، اشتباهاً وارد حرم فضایی اسرائیل شده که با تذکر این دولت این محدوده را ترک کرد. از این رو باید نتیجه گرفت که این اقدامی عامدانه بوده و گوشه ای از پیشبرد نقشه عملی است که ترکیه در سطح منطقه دنبال میکند. و سؤال این است که کدام نقشه عملی این اقدام را توضیح میدهد.

سرنگونی هواپیمای روسی عملا یک پرووکاسیون سیاسی از جانب دولت ترکیه است. گامی است در جهت افزایش تشدید تخاصم نیروهای منطقه ای درگیر در اوضاع سوریه. ترکیه عضو ناتو است و زیر چتر نظامی و پیمان دفاعی ناتو قرار دارد. هرگونه حمله و برخورد نظامی میان ترکیه عملا میتوان پای ناتو و نیروهای این غول نظامی را به دنبال داشته باشد. دولت ترکیه اخیراً با قرار دادن یک پایگاه نظامی خود به آمریکا برای پرواز بر فراز سوریه، عملا موقعیت ویژه ای در قبال آمریکا بدست آورده است. میدانند که بدون صدور اجازه پرواز به هواپیماهای آمریکایی این کشور عملا قادر به ایفای نقش موثری در سوریه نخواهد شد.

بعلاوه ادامه حملات نظامی روسیه در سوریه و بمباران منابع نفتی داعش، نابودی تانکهای نفتی ای که محموله هایشان اساساً عازم ترکیه هستند و از این طریق به فروش میرسند، عملا موقعیت ترکیه در سوریه را تضعیف کرده است. نتیجتاً ترکیه برای حفظ موقعیت شکننده خود باید کاری میکرد. از این رو این پرووکاسیون را تنها میتوان به مشابه اقدامی تلافی جویانه از جانب ترکیه تلقی کرد، با این محاسبه که قدرت مانور روسیه در مقابله به مثل عملا محدود است و هر گونه عمل متقابلی از جانب روسیه در امتداد خود عملا به معنای مقابله با ناتو است. اقدامی که روسیه نمیتواند به سادگی به آن متوسل شود.

اما محاسبات دولت اسلامی ترکیه تنها بر بخشی از معادلات منطقه استوار شده و عملاً تکیه غیر قابل قبولی بر همکاری و نقش نیروهای ناتو و اروپا دارد. تکیه گاهی که خود چندان میل و رغبتی به حمایت ترکیه در چنین شرایط و نقش دوگانه ای که ایفا میکند، ندارد. اولین واکنش را دولت آلمان نشان داد. عملاً ترکیه را در این حادثه مقصر اعلام کردند. در آمریکا ژنرالهای مفسر رسانه های بستر اصلی عملاً بر اخراج ترکیه از ناتو و مخاطراتی که ماجراجویی اردوغان میتواند برای ناتو و اوضاع بین المللی داشته باشد، پرداختند. نشریه دست راستی فوربز عملاً خواهان اخراج ترکیه از ناتو شد. از طرف دیگر دبیر کل ناتو و اوپا نیز اعلام کردند که از ترکیه در مقابل تهاجم خارجی دفاع خواهند کرد. تناقضات ناتو در پس این واقعه عملاً آشکار شد.

چشم انداز مناقشات

تخاضات این دو کشور در قبال درگیریهای سوریه چه سیری را طی خواهد کرد؟ آیا درگیری نظامی محتمل و جنگی فراگیر و گسترده تر از جنگ نیابتی در سوریه میان دول ارتجاعی دخیل محتمل است؟ در پاسخ باید گفت که اگر چه پرووکاسیون دولت ترکیه چنین هدفی را بعضاً دنبال میکند، اما نیروهایی که سرنوشت چنین وضعیتی را اساساً رقم خواهند زد عملاً تمایلی به شکل دادن به چنین وضعیتی یا کشیده شدن به چنین وضعیتی را ندارند. مخاطرات چنین مسیری را میدانند. میگویند جنگ را میتوان بسادگی آغاز کرد اما پایان دادن آن به سادگی قبال انجام نیست. نتیجتاً هر دو طرف را، علیرغم تناقضات درونی خود، به "خوشتنداری" فراخوانند. ابعاد کنونی وضعیت فاجعه انگیزی که در سوریه در جریان است، فشار قابل ملاحظه ای را بر دول اروپایی وارد کرده است. موج پناهندگان مستأصلی که کوه ها و دریاها و صحراها را به امید یافتن

مامنی می پیمایند، پی آمدهای وضعیتی هستند که اروپای واحد حاضر به پذیرش آن نیست. متعاقباً روسیه در تقابل نیز بر مناسبات تجاری و اقتصادی خود با ترکیه انگشت گذاشت. قطع صدور سوخت حیاتی گاز به ترکیه یکی از این اهرمهای فشار و ممنوعیت ورود کالاهای صادره از ترکیه اقدام دیگر در این زمینه بود. روسیه هدفش افشای مناسبات آشکار و پنهان هیات حاکمه ترکیه با داعش است. ترکیه نیز میکوشد نقش روسیه در حمایت از جنایات حکومت اسد را برجسته کند.

در حال حاضر طرفین این تخاصم به دنبال گرد آوری بیشترین نیروها در سطح منطقه ای و بین المللی هستند. روسیه در صدد جلب حمایت برخی کشورهای کلیدی اروپا و اعمال فشار بر ترکیه است. از طرف دیگر ترکیه به دنبال جلب حمایت کشورهای عرب منطقه و مشخصاً عربستان سعودی و قطر است. واقعیت این است که چشم انداز درگیری نظامی گسترده از احتمال بسیار محدودی برخوردار است. آمریکا و متحدانش علیرغم گسترش تقابل با روسیه در دوره اخیر، خواهان ورود به یک درگیری نظامی با روسیه نیستند.

اما تخاصم حاضر را باید در متنی گسترده تر و بعضاً مستقل از پرووکاسیون ترکیه در سرنگونی هواپیمای روسی معنی و تعریف کرد. در این راستا باید به تلاش روسیه برای ایجاد شکاف در صفوف آمریکا و اروپا در قبال روسیه و همچنین تلاش برای افزایش مطلوبیت روسیه از جانب اروپا اشاره نمود.

کشمکش اوکراین و تلاش آمریکا و متحذین اش در اروپا برای خارج کردن اوکراین از حوزه نفوذ روسیه سرآغاز کشمکش قطب ناتو و روسیه شد. خارج کردن اوکراین از حوزه نفوذ روسیه عملاً این کشور را از کشوری آسیایی - اروپایی به کشوری آسیایی تبدیل میکنند. سیاستی که محدودیتها و عواقب بسیار ناگواری

برای روسیه بدنبال خواهد داشت. از این رو چه جنگ در شرق اوکراین توسط نیروهای پرو روسی و چه دخالت نظامی در سوریه علیرغم اهداف مستقیم و بلاواسطه خود، هدف عمومی تری را دنبال میکنند. از نقطه نظر روسیه، یک رکن اصلی اقدام نظامی روسیه در سوریه نشان مطلوبیت این نیرو در برابر اروپا است. روسیه تلاش میکنند، مقبولیت خود را در عین حمایت از رژیم استبدادی اسد، با مقابله همه جانبه با داعش به ثبت برساند.

از نقطه نظر روسیه، چنانچه این کشور بتواند در عین حفظ بنیادهای حکومت سوریه، داعش را عملاً نابود کند و یا دست و پایش را حسابی قیچی کند، توانسته است که عملاً مطلوبیت خود را بمثابة نیرویی که قادر شده است که اروپا را از شر داعش خلاص کند، نشان دهد. این "برگ برنده" روسیه در این مقطع است. یک هدف روشن پوتین تاثیر گذاری بر موقعیت و مناسبات اروپا در قبال روسیه است.

روسیه میکوشد با خلاص کردن اروپا از شر داعش عملاً نقش برتر و موقعیت غیر قابل انکار روسیه را در معادلات بین المللی و در قبال اروپا نشان دهد. این اهرمی است که علاوه بر محاسبات منطقه ای و منافع ارتجاعی این کشور را به دخالت نظامی گسترده در سوریه کشانده است. در قسمت بعدی به مسائل زیر پرداخته خواهد شد: سوریه چه نقشی در سیاست عمومی روسیه و در کشمکشهای منطقه ای و جهانی در این دوره بازی میکند؟ موقعیت جمهوری اسلامی در این تحولات چگونه رقم خواهد خورد؟ بالاخره به مساله داعش میسریم. همه این نیروها حداقل در سطح ظاهر معتقدند خواهان نابودی داعش هستند، آیا این سیاستها به نتایج مورد نظر خواهد رسید؟ راه اساسی نابودی داعش کدام است؟

وزن سیاسی کارگر در جامعه بالا رفته است

مصاحبه با اصغر کریمی درباره قطعنامه درمورد جنبش کارگری مصوب پلنوم ۴۴ حزب

در پلنوم ۴۴ حزب که اخیراً برگزار شد قطعنامه‌ای در مورد جنبش کارگری به تصویب رسید. در مورد این قطعنامه سولاتی را با اصغر کریمی از رهبری حزب کمونیست کارگری مطرح کرده‌ایم.

انترناسیونال: مصوبات قطعنامه درباره جنبش کارگری بر مبنای شاخص‌هایی در مورد وضعیت سیاسی و اجتماعی در ایران است که در ابتدای قطعنامه آمده است. این شاخص‌ها در دوره اخیر چه تغییراتی کرده و تاثیر آن در جنبش کارگری به چه شکل است؟

اصغر کریمی: این شاخص‌ها در یک بیان کلی دو چیز است. یک مساله مربوط است به شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه، بحران عمیق جمهوری اسلامی، سیاست تشدید ریاضت اقتصادی و دورنمای رکود و بیکاری و فقر و فلاکت بیشتر و به موازات آن تشدید سرکوب‌ها که دورکن سیاست دولت روحانی و کل جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. وجه دیگر آن مربوط می‌شود به مبارزات کارگران که بی وقفه ادامه دارد، تلاش گسترده فعالین و تشکل‌های کارگری، حضور خانواده‌ها در اعتراضات و ابراز وجود سیاسی جنبش کارگری در جامعه. یعنی در یک طرف با حکومتی بحرانی و اقتصادی ورشکسته مواجهیم و در طرف دیگر کارگران و مبارزاتشان و سنت‌هایی که به آن روی آورده‌اند و به سد محکمی در مقابل اجرای سیاست‌های ضد کارگری حکومت تبدیل شده‌اند. مبارزات معلمان نمونه‌ای از دست بردن به سنت‌های نوین مبارزه، استفاده از مدیای اجتماعی و شکل دادن به شبکه‌های اجتماعی قوی و موثر، خبررسانی و رسانه‌ای کردن مبارزات خود، نمایندگی کردن برخی خواست‌های عمومی جامعه و از این طریق تبدیل شدن به یک وزنه مبارزاتی قوی است. این کشمکش برای هر دو سوی این معادله جدی است. نه دولت می‌تواند بدون تشدید

ریاضت اقتصادی و تشدید فشار به فعالین کارگری ادامه حیات بدهد و نه جنبش کارگری می‌تواند این وضعیت را تحمل کند.

انترناسیونال: معرفی فعالین و چهره‌های جنبش کارگری چه جایگاهی دارد؟ آیا آنها را بیشتر زیر ضرب قرار نمی‌دهد؟

اصغر کریمی: صرفنظر از اینکه فعالین کارگری که شناخته می‌شوند چقدر ضربه‌پذیر می‌شوند یا نمی‌شوند، که بعداً به آن می‌پردازم، اما هیچ جنبشی نمی‌تواند بدون داشتن رهبران و چهره‌های شناخته شده که آن جنبش را در سطح جامعه نمایندگی کنند، وزن و جایگاه سیاسی معتبری در جامعه پیدا کند و در تحولات سیاسی نقش تعیین کننده‌ای بعهده بگیرد. خفقان بی حد و حصر حاکم در زمان شاه و سرکوب بی امان جنبش کارگری، اجازه نداد نه تشکلی ساخته شود و نه رهبران شناخته‌ای پا به میدان بگذارند. بطوری که با انقلاب ۵۷ و فضا و فرجه زیادی که ایجاد شد، تشکل‌های کارگری و مشخصاً شوراهای کارگری شکل گرفتند اما بدلیل فقدان یک سنت مبارزاتی جا افتاده، قوی و اجتماعی، جنبش کارگری رهبران خود را به جامعه معرفی نکرد و جایگاهی را که می‌توانست پیدا نکرد. به سرعت سرکوب‌ها شروع شد و این فرجه از دست رفت. در دهه گذشته اما جنبش کارگری با سنت نوینی به میدان آمد و علیرغم سرکوب سیستماتیک و بی‌حقوقی کاملی که وجود دارد تشکل‌هایی را شکل داد و دهها فعال کارگری به جلو صحنه آمدند. علیرغم اینکه این تشکل‌ها به تشکل‌های توده‌ای قدرتمندی تبدیل نشدند اما بدلیل دست بردن به سنت‌های متفاوت و اجتماعی‌تر، به تشکل‌های موثری تبدیل شدند و همراه با رهبران شناخته شده که همیشه یک پایشان در زندان بوده است، سیمای متفاوتی از جنبش کارگری به جامعه داده شد. وزن اجتماعی جنبش کارگری در

جامعه بالا رفت، به وزنه‌ای سیاسی تبدیل شد و موقعیت کاملاً تازه‌ای پیدا کرد. وجود فرد است که به یک مبارزه چهره می‌دهد، به اهرمی برای پیشبرد اهداف آن جنبش تبدیل می‌شود و در تقابل جنبش‌ها با یکدیگر نیز وزن و ثقل آنرا بالا می‌برد. این برای پیشروی جنبش کارگری چه در مبارزات روزمره و چه در مبارزات توده‌ای و سیاسی علیه جمهوری اسلامی اهمیت حیاتی دارد.

باید فعالین کارگری شناخته شده باشند تا رسانه‌ها بتوانند با آنها مصاحبه کنند، اسم و رسمشان همه جا مطرح شود، مردم آنها را بشناسند و از آنها محافظت کنند.

انترناسیونال: قبلاً هم شهادت مطالب متعددی بر اهمیت حضور خانواده‌های کارگری در مبارزات کارگری تاکید کرده‌اید. چرا اینهمه تاکید؟ تجربه‌های تکنونی در این زمینه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟



اما اینکه رهبران کارگری با علنی شدن بیشتر زیر ضرب قرار می‌گیرند بنظر من اینطور نیست. رهبران کارگری تحت نظام جمهوری اسلامی اعم از اینکه در سطح جامعه شناخته شده باشند یا نه، زیر ضرب قرار دارند. فرقی این است که به درجه‌ای که در جامعه شناخته شده باشند دستگیری و زندانی کردن آنها هزینه بسیار بیشتری برای جمهوری اسلامی دارد. سر یک جنبش بی نام و نشان را خیلی راحت تر میتوان زیر آب کرد. عملاً هم در ده سال گذشته شاهد بوده‌ایم که جمهوری اسلامی علیرغم اینکه مدام فعالین کارگری را زندانی کرده است، اما اولاً توانسته است جلو روند به میدان آمدن فعالین کارگری را بگیرد و ثانیاً هر فعال کارگری که زندانی شده، با ادامه مبارزه در زندان و رسانه‌ای شدن آن، جمهوری اسلامی فشار بیشتری بر خود احساس کرده است. هر فعال کارگری که شناخته شده می‌شود دامنه نفوذش بیشتر می‌شود و تاثیرات بیشتری بر جنبش کارگری می‌گذارد.

اصغر کریمی: من تاکید زیادی بر حضور خانواده‌ها کرده‌ام اما این هنوز کافی نیست و بسیار بیش از این باید بر این نکته محوری و حیاتی تاکید گذاشت. این وجهی از افزایش ثقل اجتماعی مبارزه کارگر در جامعه است. اگر خانواده‌های کارگران معدن سنگ آهن بافق به میدان نیامدند آیا شاهد به حرکت درآمدن مردم شهر می‌بودیم؟ حتی امام جمعه بافق تحت فشار این جنبش تهدید به اعتصاب! کرد. چندین وزیر و استاندار و فرمانده سپاه و فرماندار دهها مقام ریز و درشت حکومت دو ماه در حال جلسه و رفت و آمد بودند تا این غائله! را ختم کنند. قبل از این هم شاهد حضور خانواده‌ها در اعتراضات کارگران بوده‌ایم از جمله در کیان تایر و هفت تپه، اما بافق نقطه عطفی در این زمینه بود و بدنبال آن شاهد روند رو به رشدی در این زمینه بوده‌ایم و در مراکز متعددی همسران کارگران حضور یافته‌اند و این می‌رود که به سنت جا افتاده‌ای تبدیل شود. حضور خانواده

ها خصلتی بسیار اجتماعی‌تر به مبارزه می‌دهد، این مبارزه‌ای در خیابان است و نه در چهاردیواری کارخانه و بلافاصله همه جا منعکس می‌شود. سکوت رسانه‌ها را زودتر میشکند، و سرکوب آن بسیار دشوارتر و هزینه‌بردارتر می‌شود. حضور خانواده‌ها در تجمعات اعتراضی کارگران لااقل در این مقطع جنبه سیاسی ندارد اما ثقل اجتماعی مبارزه کارگر در جامعه را بطور مستقیم و ثقل سیاسی کارگر را بطور غیر مستقیم بالا می‌برد و فشار بیشتری به جمهوری اسلامی و کارفرما می‌آورد.

در شرایطی که کارگر بدلیل اعتراض با خطر اخراج مواجه است، دست به عصا می‌شود، اما همسران کارگران هیچ زنجیری ندارند که در مبارزه از دست بدهند و نقش مهمی می‌توانند ایفا کنند. آنجا که کارگران شاغل محلود می‌شوند این همسران آنها هستند که می‌توانند قدرت خود را نشان بدهند. بعلاوه اگر میلیون‌ها کارگر بیکار را در نظر بگیریم بیشتر متوجه اهمیت حضور خانواده‌ها خواهید شد. میلیون‌ها جوان بیکار به راستی نیروی عظیمی هستند و بخوبی قادرند با خواست کار یا بیمه بیکاری خانواده‌های خود را به میدان بکشاند و یک مبارزه جانانه را سازمان بدهند. متأسفانه هنوز فعالین کارگری و رهبران اعتصابات بهای لازم را به این مساله نمی‌دهند و به این دلیل باید بر اهمیت آن بیشتر تاکید کرد، توضیح داد و موارد موفق را مقابل دید همگان گذاشت تا این نیرو آزاد شود.

انترناسیونال: یکی دیگر از نکاتی که در این قطعنامه مورد تاکید قرار گرفته جلب حمایت‌های بین‌المللی از مبارزات کارگری است. چه اهمیتی برای اینکار قائل هستید؟

اصغر کریمی: این نیز وجهی از جنبش نوین کارگری است. قدمت آن

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

داعشی حیا کن!

درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شما است، اما لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه، و افغانستان طی سالهای متمادی تحمل کرده‌اند دو تفاوت عمده دارد...

از پیام خامنه‌ای به جوانان غربی

تروریسم درد مشترک مردم غرب و مردم ایران و دیگر کشورهای اسلامزده است. اما خامنه‌ای بی‌جهت خود را وارد این اشتراك کرده است. ایشان خود باعث و بانی درد مردم ایران و منطقه است و نه نماینده و دادخواه این مردم. در صدر لیست رنج کشیدگانی که خامنه‌ای عنوان کرده است مردم ایران قرار دارند. مردم ایران بیش از سه دهه است که تروریسم اسلامی را در هیأت اعدامهای جمعی و قتل‌های رنج‌خیزه‌ای و بازداشت و شکنجه و زندانی کردن و اعدام فعالین جنبش کارگری و سرکوب سیستماتیک مبارزات و مقاومت زنان و سایر جنبشهای اعتراضی تجربه کرده‌اند و یکی از تفاوت‌های عمده رنج مردم ایران و کشورهای اسلامزده با درد و رنج قربانیان غربی تروریسم اسلامی همین واقعیت است. در این میان دولتهای غربی تنها تروریسم در غرب را به رسمیت میشناسند و محکوم میکنند و در مقابل تروریسم قانونی و دولتی و هر روزه ای

که حکومت‌های نظیر جمهوری اسلامی و یا نیروی مانند داعش مداوما علیه مردم کشورهای اسلامزده انجام میدهند عکس‌العمل چندانی نشان نمیدهند. حتی متفکرین و مقامات دولتی در غرب تحت عنوان نسبیت فرهنگی و مالتی کالچرالیسم در تبلیغات خود برای مذهب و سیاست‌های مذهبی - بعنوان تمدن و فرهنگ مردم کشورهای اسلامزده - جا باز کرده‌اند. از این نقطه نظر خامنه‌ای و البغدادی و امثال فوکویاما و هانتینگتون همنظر و هم جهت اند. این توجیه سیاسی - نظری تروریسم اسلامی در خود کشورهای اسلامزده نیز یک تفاوت عمده دیگر برخورد به تروریسم اسلامی در غرب و در کشورهای نظیر ایران است. خامنه‌ای تصور کرده است در پناه جنایات داعش میتواند حکومت خود را معتدل و مخالف تروریسم جلوه بدهد اما مردم ایران منت‌هاست با شعار "داعشی حیا کن کشور را رها کن"، از جمله در اعتراض به اسیدپاشی‌های اوباش حکومتی به روی زنان، به این تشبثات پاسخ داده‌اند.

خامنه‌ای در پیامش بر شناخت اسلام واقعی تاکید میکند. توصیه ما به جوانان غربی برای شناخت اسلام واقعی رجوع به کارنامه جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم ایران است.

۲ دسامبر ۲۰۱۵

در ضرورت دفاع جهانی از جعفر عظیم زاده!

توهین و تحقیر آنان را روانه مرزها نمایند...

حزب همبستگی مینویسد "جعفر عظیم‌زاده به این نکته پی‌برده بود که ستم و استثمار مرز، رنگ، نژاد و مذهب نمی‌شناسد."

این جلوه با شکوهی از همبستگی کارگران ایران و افغانستان است. یک فعال سرشناس کارگری و یک مدافع پیگیر حقوق کارگران مهاجر افغانی بزدان افتاده است و یک حزب افغانستانی به حمایت از او برخاسته است. نفس این حرکت و اعلام همبستگی بین فعالین جنبش علیه "ستم و استثمار"ی که "مرز، رنگ،

انسان‌های پناهنده از جنگ و ناامنی کرده است.

... تحقیر و توهین و نفرت پراکنی نسبت به کارگران مهاجر افغانی برای توجیه بیکاری در کشور، سوی دیگر ستم مضاعفی است که در طول بیش از سی سال گذشته بر این کارگران رفته است. طوریکه از این منظر ظالمانه روزی نبوده است که دولت و نهادهای دست‌ساز کارگری برای سرریز کردن بار بحران بیکاری بر دوش کارگران مهاجر افغانی، آنان را گوشت دم توپ نکنند، دست به تبلیغات نژادپرستانه بر علیه آنان نزنند و یا هر از چند گاهی با یورش به محیط‌های کار، با

حزب همبستگی افغانستان در اطلاعیه‌ای که در محکومیت حکم شش سال زندان جعفر عظیم زاده منتشر کرده است از قول او نقل میکنند که:

«... کاری که در ایران توسط دولت و صاحبان سرمایه با مهاجرین افغانی صورت گرفته است چیزی جز تحمیل بدترین شرایط کار و زیست برای آنان نبوده است. شدت استثمار بالا، محرومیت از تامین اجتماعی و بیمه‌های همگانی، پرداخت نازل‌ترین مزد در سخت‌ترین کارها و هزار و یک مصیبت دیگر، تنها چیزی بوده است که سرمایه‌داری ایران، نصیب این

مرزها را به روی مبارزین علیه تروریسم باز کنید!

قربانیان دست و پابسته سیاست‌های تروریستی نیستند، بلکه در سخت‌ترین شرایط فعالانه علیه نیروهای اسلامی بپا خاسته‌اند. مردم ایران نیز سالهاست علیه حکومت همتایان داعش در ایران و سیاست‌های تروریستی آن مبارزه بیوقفه‌ای را به پیش می‌برند. این مبارزات شاهد دیگری بر این واقعیت است که مردم ایران - و کل کشورهای اسلامزده - نه تنها به تروریسم اسلامی و اسلام‌یون حاکم در این کشورها ربطی ندارند بلکه فعالانه در مقابل آن قرار گرفته‌اند. این واقعیت را باید در برابر چشمان مردم در کشورهای اروپایی قرار داد و نه تنها جنبش دفاع از پناهجویان بلکه مقابله و مبارزه با دولتها و نیروهای اسلامی و با سیاست‌های دولتهای غربی که موجب افسار گسیختگی این نیروها شده است را تعمیق و رادیکالیزه کرد و گسترش داد. جنبش دفاع از پناهجویان و جنبش سکولاریستی در منطقه در واقع دو روی یک سکه اند. باید دست این جنبشها را در دست یکدیگر گذاشت. شعار پناهجویان باید این باشد: ما نیروی مقابله با تروریسم هستیم، مرزها را باز کنید!

۲ دسامبر ۲۰۱۵

چهره و نماینده مبارزه علیه این تفرقه افکنی‌های ملی و مذهبی و نژادی هستند و شایسته گرمترین حمایت‌ها از سوی نیروهای چپ و آزادیخواه در ایران و افغانستان و در سراسر جهان!

۲ دسامبر ۲۰۱۵

"ما ایرانی‌ها تروریست نیستیم، مرزها را باز کنید."

یک پناهجوی ایرانی در مرز ترکیه - مقدونیه

این حرف دل هزاران پناهجو از ایران و از کشورهای اسلامزده است. جنایت اخیر داعش در پاریس باعث شده است تا دولتهای اروپایی بهانه تازه‌ای برای ممانعت از ورود پناهجویان پیدا کنند: جلوگیری از ورود تروریستها! اما ده‌ها هزار آواره‌ای که برای رهایی از شر نیروها و دولتهای اسلامی به غرب پناهنده شده‌اند خود اولین قربانیان تروریسم اسلامی هستند. دولتهای اروپایی در اتحاد با آمریکا خود در مسلط کردن تروریسم بر زندگی میلیون‌ها مردم در خاورمیانه نقش داشته‌اند. از این دولتها انتظار نمرود سیاست انسانی و مترقی‌ای در قبال پناهندگان اتخاذ کنند. این بعهده مردم و نیروهای چپ و مترقی در اروپا است که با اعمال فشار بر دولتهای غربی مرزها را بروی پناهجویان باز کنند.

نکته مهم دیگر جنبشی است که علیه نیروها و دولتهای اسلامی در عراق و افغانستان و دیگر کشورهای خاورمیانه در جریان است. این جنبش نوین سکولاریستی نشان‌دهنده این واقعیت است که مردم کشورهای اسلامزده تنها

نژاد و مذهب نمی‌شناسد "کیفر خواست قاطعی نه تنها علیه حکومت جمهوری اسلامی بلکه علیه کلیه نیروهای راست و ناسیونالیست است که از تعصبات و "افتخارات" ملی و میهنی برای خود سرمایه سیاسی ساخته‌اند و افق و سیاست و عملکردی جز نفرت پراکنی علیه مردم منتسب به ملیت و نژاد و مذاهب دیگر ندارند. جعفر عظیم زاده‌ها

حلقه اصلی خود حزب است

از صفحه ۲

جنگ و جنایت و خونریزی علیه یکدیگر و علیه مردمند.

اعتراضات توده ای عراق و افغانستان علیه کلیه این دولتها و نیروهای اسلامی و غربی قرار دارد. وقتی مردم عراق علیه نیروهای سنی و شیعه و علیه تجارت مذهب شعار میدهند و خواست مدینت و دولت و جامعه سکولاریستی و مدنی را مطرح میکنند در واقع نه تنها نیروهای اسلامی، بلکه دولتهای غربی و بورژوازی جهانی را که موجب این وضعیت بوده اند و از مقطع جنگ خلیج تا امروز تلاش کرده اند تا با اتکا به نیروهای اسلامی -

قومی - عشیرتی سیاستها خود را به پیش ببرند، بجالش میکنند و عملا در برابر منافع و اهداف بورژوازی منطقه و بورژوازی جهان قرار میگیرند. به همین دلیل است که ما تقریباً با سکوت مطلق دولتها و رسانه های غربی در قبال مبارزات مردم عراق و افغانستان مواجه هستیم. يك وظیفه محوری ما و کلا نیروهای چپ و رادیکال در این شرایط منعکس کردن و نمایندگی کردن این جنبش سکولاریستی مردم خاورمیانه - در عراق و افغانستان و ایران و ترکیه و کردستان سوریه و لبنان- و جلب حمایت مردم جهان، و بویژه مردم کشورهای غربی که هدف حمله داعش و تروریستهای اسلامی قرار گرفته اند، از این مبارزات است. ما بویژه باید تلاش کنیم که نقش دولتهای غربی، روسیه و کلا بورژوازی جهانی را در بجلو رانده شدن نیروهای اسلامی و وضعیت فاجعه باری که امروز در خاورمیانه شاهد آن هستیم برای مردم جهان توضیح بدیم و نقش جنبش سکولاریستی مردم منطقه را در به عقب راندن سیاستهای پرو اسلامی دولتهای غربی و بسط نفوذ نیروهای اسلامی در جوامع غربی به جهانیان نشان بدیم.

انترناسیونال: دوره جدید جنبش ضد کاپیتالیستی در غرب که با جنبش وال استریت را اشغال کنیید، در تابستان ۲۰۱۱ آغاز شد هنوز نتوانسته است يك آترناتیو قدرتمند و بدیل سیاسی ارائه دهد و بقول خودتان در حد پارادایم و گفتمان باقی

است. بنظر شما تا چه حد می توان به آن/امید بست و به چه شکل می توان در آن تاثیر گذاشت؟

حمید تقوایی: در ادامه جنبش اشغال امروز با يك گفتمان و فضای عمومی ضد کاپیتالیستی در غرب مواجه هستیم که حتی تبلیغات احزاب حکومتی و مبارزات انتخاباتی در این کشورها را تحت تاثیر قرار داده است. بعنوان نمونه در آمریکا و در انگلیس دو سیاستمداری که خود را علناً سوسیالیست معرفی میکنند در جامعه محبوب شده اند. این نشانه‌دهنده حضور و قدرت گیری يك چپ اجتماعی است که کل فضا را به چپ سوق داده و باعث شده است که بعنوان مثال در فضای سیاسی آمریکا، که تا کنون سوسیالیسم يك تابو محسوب میشد، يك کانديدای ریاست جمهوری خود را علناً سوسیالیست معرفی کند و محبوب بشود. منشا این تحول در درون صفوف بورژوازی و رقابتهای سنتی بین احزاب بورژوائی نیست بلکه در بحران حکومتی بورژوازی و قدرتیگیری نیروی چپ اجتماعی ریشه دارد. نزدیک به يك دهه است که اتاقهای فکری بورژوازی و استراتژیستهای دورنگر آن در مورد دره عمیق بین فقر و ثروت و "خطر" شورش گرسنگان هشدار میدهند و به چپ چرخیدن فضای سیاسی در اروپا يك شکل بروز این "هشدار و اعلام خطر" است. این فضا و این ابراز وجود چپ اجتماعی زمینه مساعدی برای پیشروی و تقویت چپ متشکل و متحزب و احزاب کمونیست انقلابی نظیر حزب ما فراهم می آورد.

بحث بر سر آلترناتیو بودن و یا امید بستن به این فضا و نیروی چپ اجتماعی نیست بلکه نمایندگی کردن این نیرو، متعین و متحزب کردن آن، و بجالش کشیدن بورژوازی جهانی در عرصه قدرت سیاسی با اتکا به این نیروی عظیم اجتماعی است. به نظر من يك دستاورد مهم جنبش اشغال تبیین و اعلام تقسیم جوامع به يك درصدیها و نود و نه درصدیها و تعیین بخشیدن به مقابله نود و نه درصدیهای جهان علیه يك درصدیهای حاکم بود. این تقسیمبندی بازتاب این واقعیت

طبقاتی دوران ماست که سرمایه داران صاحب قدرت و ثروت، تنها يك درصد جمعیت جهان را تشکیل میدهند و نود و نه درصد مردم، توده مردمی که هیچ منفعتی در سلطه اقتصادی و سیاسی این اقلیت مفتخور ندارند، به کمپ کار و جنبش ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر تعلق دارند. کمونیسم متشکل و متحزب دوران ما نیز باید این واقعیت را ببیند و تلاش کند به نمایندگی و سخنگوی نود و نه درصدیهای جهان علیه يك درصدیها تبدیل بشود. در سند اولویتها و همچنین نقشه عمل ششماهه هیات اجرایی حزب که بر مبنای این سند تدوین شده، وظایف و اقدامات معینی در این جهت تعریف شده و در دستور کار رهبری حزب قرار گرفته است.

انترناسیونال: در سند اولویتها درباره متعین کردن دخالت حزب در مبارزه طبقاتی، تعیین محورهای تبلیغات سیاسی حزب رو به ایران و تعیین عرصه ها و سوژه های محوری مبارزه در ایران، صحبت شده است. آیا در سیاستهای کنونی حزب کمبودهایی در این زمینه ها وجود دارد و آیا طرح این بندها به معنای بازتعریف سیاستهای فعلی حزب است؟

حمید تقوایی: حزب ما همیشه در همین جهت حرکت میکرده است اما در عین حال در هر دوره و با توجه به شرایط و تحولات جدید سوژه ها و موضوعات و اشکال تازه ای از مبارزه مطرح میشود که باید مورد توجه حزب قرار بگیرد. مبارزه طبقاتی امری زنده و متحول است و برخوردی زنده و متحول را طلب میکند. استراتژی ما سرنگون کردن جمهوری اسلامی و خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار بقدرت يك انقلاب توده ای است. این استراتژی - که مدنیتهاست در حزب ما با نظریه حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی تبیین شده و در دستور کار ما قرار گرفته است - در هر شرایط معین فعال شدن در جبهه ها و عرصه های نبرد معینی را طلب میکند. و بر حسب شرایط اولویتها و نقطه تمرکز فعالیتهای حزبی نیز تغییر خواهد کرد.

انقلاب و سرنگونی دغتا و ابتدا بساکن اتفاق نمی افتد، بلکه نقطه اوج مبارزه طبقاتی در عرصه های

متعددی است که هر روزه جریان دارد. يك مبحث مهم این پلنوم و همچنین پلنوم قبلی حزب تاکید بر این مساله دخالتگری فعال در عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی بود. این موضوع در سند اولویتها با عبارت "قرار دادن نظریه حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی بر متن مبارزه طبقاتی" مورد تاکید قرار گرفته است.

بعنوان نمونه شرایط تازه پس از توافق هسته ای در ایران مبارزه علیه فقر و فلاکت و برای بهبود شرایط معیشتی و رفاهی را بیش از پیش برجسته میکند و در مرکز مقابله با مردم و حکومت قرار میدهد. و یا در سطح منطقه سر بلند کردن جنبش سکولاریستی و در سطح جهانی به چپ چرخیدن فضای سیاسی، همانطور که بالاتر اشاره کردم شرایط و جبهه های نبرد تازه ای را در برابر ما کمونیستها باز میکند. يك حزب سیاسی فعال و دخالتگر باید این واقعیات را ببیند و در تاکتیکها و نقشه عملهای دوره ای خود بحساب بیاورد. در سند اولویتها رئوس وظایف حزب در این رابطه مشخص شده است و رهبری حزب موظف شده که نقشه عملها و راهکارهای معینی در عرصه هایی که برشردم تدوین کند و در دستور قرار بدهد.

انترناسیونال: بند چهارم سند اولویتها در مورد جنبش کارگری است. حزب برای متشکل و متحزب ساختن جنبش کارگری چه سیاستی دارد؟

حمید تقوایی: مبانی سیاست ما در قبال جنبش کارگری روشن است: کمک به وحدت و انسجام هر چه بیشتر جنبش کارگری بویژه از طریق همکاری و همراهی چهره ها و تشکلهای فعال در این جنبش، افشای نهادها و تشکلهای زرد و سر به حکومت و نقد گرایشات راست و حزب گریز در جنبش کارگری، جلب حمایت جهانی از مبارزات کارگران ایران و بالاخره تقویت و دامن زدن به جنبش مجموع عمومی و شکل دادن به تشکلهای توده ای کارگری بر مبنای مجمع عمومی. ما همچنان این سیاست را دنبال میکنیم و در قطعنامه کارگری که در پلنوم تصویب شد نیز معنی عملی این سیاست در شرایط امروز توضیح داده شده است. اما در سند اولویتها خصوصیات نوین جنبش کارگری

مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. در اینجا هم در واقع بحث بر سر اتکا بر و بحساب آوردن خصوصیات امروزی و شرایط معین مبارزه در پیشبرد خط و سیاستها عمومی حزب است. در سند اولویتها خصوصیات و ویژگیهای نوین جنبش کارگری نظیر اتکا و استفاده موثر از مدیای اجتماعی - نمونه ای که در جنبش معلمان شاهد آن هستیم، بسیج خانواده ها در اعتراضات و مبارزات کارگری، برجسته و مطرح کردن چهره های جنبش کارگری و ابراز وجود سیاسی جنبش کارگری و غیره مورد تاکید قرار گرفته است. جنبش کارگری در این دوره نقش برجسته و فعالی در مقابله کل جامعه با جمهوری اسلامی ایفا میکند و و يك راه پیشرویهایی بیشتر جنبش کارگری در این شرایط متکی شدن بر خصوصیات نوین این جنبش و تلاش برای تقویت و گسترش آنها است.

انترناسیونال: اهمیت جنبش ضد مذهبی در تحولات آتی ایران و منطقه را چگونه می بینید؟ از نظر شما جنبش ضد مذهبی در ایران چه کمبود هایی دارد؟ حزب کمونیست کارگری در این جنبش چه نقشی برای خود قائل است؟

حمید تقوایی: همانطور که در ابتدا گفتم يك حرکت وسیع در منطقه شکل گرفته است که بویژه درعراق خیلی شفاف و صریح علیه نیروهای مذهبی است. از نقطه نظر مترقی و رادیکال بودن این جنبش را میتوان در ردیف انقلابات مصر و تونس و قبل از آن جنبش انقلابی سال ۸۸ در ایران قرار داد. به نظر من همانطور که نیروها و دولتهای اسلامی در منطقه حاصل و ادامه سیاستهای نظم نوینی در منطقه هستند، جنبش سکولاریستی جاری نیز ادامه انقلابات موسوم به بهار عرب است. اما به نظر من این جنبش نوین - مردم افغانستان با همین شعار "جنبش نوین" يك روز قبل از حمله پاریس در کابل علیه دولتها و نیروهای قومی مذهبی در آن کشور به خیابانها آمدند - با انقلابات منطقه و حتی اعتراضات علیه مذهب در ایران متفاوت است. این اولین بار است که يك جنبش توده ای با شعار نه به مذهب و علیه نیروهای

حلقه اصلی خود حزب است

از صفحه ۶

سنی و شیعه و "تجار دین" و در دفاع از سکولاریسم و مدنیت با شعارهای روشن و صریح قد علم میکند. نه تنها در تحولات خاورمیانه در دهساله اخیر بلکه در تاریخ تحولات معاصر در جهان چنین حرکتی بی سابقه است. بعد از انقلاب کبیر فرانسه ما جنبشی با این صراحت و شفافیت علیه مذهب نداشته ایم. حتی در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی گرچه یک حرکت وسیع و ادامه دار ضد قوانین و اخلاقیات و مقدسات مذهبی - بخصوص از جانب زنان و جوانان - وجود دارد هنوز این حرکت به سطح یک جنبش توده ای متعین ضد مذهبی ارتقا نیافته است. یک وظیفه مهم حزب در این شرایط همین متعین و شفاف کردن جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی در ایران است.

"خطر نفوذ هنر و موسیقی غربی و "هجمه فرهنگی" غرب که مقامات حکومتی مدام درباره اش هشدار میدهند در واقع نشانه‌دهنده گرایش عمیق توده مردم در ایران به خلاصی از شر قوانین و مناسبات و اخلاقیات پوسیده اسلامی و روی آوری به فرهنگ و روابط مدرن و مدنی و سکولاریستی و انسانی است. آنچه مقامات حکومتی "هجمه فرهنگی" مینامند در واقع چیزی نیست بجز سکولاریسم و مدنیت و جامعه مدنی و مدرنی که مردم عراق و افغانستان به صراحت در شعارهایشان مطرح میکنند. باید تلاش کرد تا در ایران نیز گرایش عمیق جامعه به خلاصی از مذهب و مبارزات و اعتراضات هر روزه ای که علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی و قصاص و دیگر قوانین اسلامی وجود دارد به یک جنبش توده ای سکولاریستی رادیکال و چپ ارتقا پیدا کند. این یک رکن مهم مبارزه ما نه تنها برای سرنوشت جمهوری اسلامی بلکه برای رهایی منطقه از نیروها و دولتهای اسلامی است.

انترناسیونال: به روز شدن و مدرن شدن سازمان حزب از نظر شما به چه معنا است و چه اقدامات عملی در

این زمینه در نظر دارید؟

حمید تقوایی: مساله مدرن و به روز کردن تشکیلات حزب یکی از مشغله های همیشگی رهبری حزب در سالهای اخیر بوده است. میدانیم که انقلاب الکترونیک، در زمینه تبادل اطلاعات و همبستگی و سازمانیابی توده های مردم در اعتراضات هر روزه شان، و در سطح وسیعتری در شکلگیری جنبشهای توده ای و انقلابات، به نحوی که در جنبش اشغال و در انقلابات موسوم به بهار عرب شاهد بودیم، تغییر و تحول ریشه ای و همه جانبه ای ایجاد کرده است. انقلاب الکترونیک را انقلاب صنعتی سوم - بعد از ماشین بخار و الکتریسته - مینامند و یکی از نتایج سیاسی و اجتماعی این انقلاب سوم، انقلاب در انقلاب است. انحصار طبقه حاکمه، دولتها و رسانه های رسمی و موسسات مهندسی افکار بورژوازی بر اطلاعات شکسته شده است و برای اولین بار در تاریخ طبقه تحت استثمار و توده مردمی که هیچ منفعتی در سلطه سیاسی و اقتصادی مفتخوره های حاکم ندارند - یعنی در عصر ما طبقه کارگر و نود و نه درصد مردم جهان - قادر شده اند در یک سطح وسیع و اجتماعی به خود آگاهگری و خود سازماندهی بپردازند. مکانیسمهای مبارزه طبقاتی کاملاً متحول شده است و یک حزب کمونیست انقلابی اگر به این مکانیسمها متکی نشود موضوعیت و ربط خود را به تاریخ معاصر را تماماً از دست خواهد داد. این صرفاً یک مساله فنی مثلاً مربوط به استفاده از تکنولوژی جدید نیست، بلکه بحث بر سر سازماندهی و سازمانیابی حزبی منطبق با شرایط و مکانیسمهای کاملاً تازه مبارزه طبقاتی است. بعنوان مثال این شرایط تازه به یک نیروی چپ اجتماعی شکل داده است که قادر به سازماندهی اعتراضات رادیکال در مقیاس جهانی است. فعالیتهای را بجلو رانده است که در مقیاسی بر مراتب وسیع تر از احزاب در دوره های گذشته قادر به تاثیر گزاری و سازماندهی و دخالتگری در مبارزات و تحولات سیاسی و

اجتماعی اند. این شرایط بویژه عملکرد چپ متشکل و متحرک یعنی نحوه تبلیغات و سازماندهی و رهبری کمپینها و مبارزات حزبی و دخالتگری و تاثیرگذاری حزب بر مبارزات اجتماعی را کاملاً متحول و بر مبنای کاملاً تازه ای قرار میدهد.

در این پلنوم در قراری تحت عنوان "ضرورت به روز شدن تشکیلات حزب" رؤس اقدامات حزب در این جهت تعیین شده و رهبری حزب موظف شده است که نقشه عملهای لازم برای تحقق این امر را تدوین کند و در دستور قرار بدهد.

انترناسیونال: بعنوان آخرین سؤال ارزیابی شما از پلنوم ۴ چیست و آیا فکر میکنید حزب میتواند به وظایف متنوع و متعددی که پلنوم تعیین کرده است پاسخ بدهد؟

حمید تقوایی: به نظر من حزب ما از این پتانسیل و توانائی برخوردار است که به ضروریات امروز مبارزه در همه عرصه هایی که پلنوم تعیین کرده است، و من به برخی از آنها را در این مصاحبه پرداختم، پاسخ بدهد. حلقه اصلی در این میان خود حزب است. روشن است که بدون مدرن و امروزی کردن روابط و مناسبات درون حزبی و کل سازمان حزب و شیوه های فعالیت آن نمیتوان در دنیای امروز گامی بجلو برداشت و ما ملتهاست بر این ضرورت واقف هستیم. اما من امروز، با توجه به روحیه فعال و دخالتگرانه ای که در این پلنوم شاهدش بودم، بیش از هر زمان دیگر به امکان پذیری این امر معتقد و امیدوار هستم. البته این امر خودبخود و صرفاً باخطر تصویب اسنادی در این زمینه متحقق نخواهد شد. باید رهبری و کادرها و تمام بدنه حزب برای اجرای این سیاستها آستین بالا بزنند و با انرژی و تلاشی دو چندان وظایف و مسئولیتهای خود را به پیش ببرند. رهبری حزب به سهم خود در این جهت خواهد کوشید و بویژه سعی خواهد کرد تعداد هر چه بیشتری از کادرها را در انجام و پیشبرد وظایف وسیع و متعددی که در برابر خود قرار داده ایم دخیل و فعال کند.

۲ دسامبر ۲۰۱۵

جهتگیری و اولویتهای رهبری حزب

پلاتفرمی برای

رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

حمید تقوایی

دوره جهتگیری سیاسی و عمومی حزب بر سه فاکتور مبتنی است:

الف- شرایط سیاسی و اقتصادی دوره پسا توافق هسته ای در ایران. (تشدید بحران حکومتی / بالا رفتن توقعات و انتظارات مردم و ناتوانی حکومت از برآورده کردن آنها / برجسته شدن جنبش کارگری / تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی و در منطقه / بالا رفتن توقعات و انتظارات مردم / مساعد شدن شرایط سیاسی برای تعرض بیشتر جنبشهای اعتراضی و گسترش این تعرضات با استفاده از مدیای اجتماعی / ...)

ب- سر بلند کردن یک گرایش و جنبش اجتماعی سکولاریستی و مدرن در منطقه علیه نیروها و دولتهای مذهبی و قومی، و در دفاع از مدنیت و جامعه مدنی در تقابل با نیروهای اسلامی و قومی عشیرتی و دولتها و جوامع موزائیکی نوع نظم نوینی

ج- گسترش گرایش و پارادایم و گفتمان و حرکت اجتماعی ضد کاپیتالیستی در غرب

این شرایط در سه سطح ایران، منطقه و جهان سیاستهای عملی و اقدامات ویژه ای را در دستور حزب میگذارد که باید در طرحها و نقشه عملهای این دوره حزب تعریف بشود و در دستور رهبری قرار بگیرد. یک ضرورت دیگر برای تقویت و گسترش حزب، از جمله بمنظور پاسخگوئی به ضروریات فوق، مدرن و کارآمد و به روز شدن سازمان و ساختار و مناسبات درون حزبی است.

بر مبنای این جهتگیری عمومی رؤس اولویتهای حزب در این دوره عبارتست از:

۱- روشن و متعین کردن دخالت روزمره حزب در مبارزه طبقاتی و

قرار دادن نظریه حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی بر متن مبارزه طبقاتی، تعیین موضوعات و عرصه ها و جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران و نقشه عملهای معین برای دخالتگری در هر یک از این عرصه ها

۲- تعیین خط و محورهای تبلیغات سیاسی حزب و به جامعه ایران و جامعه جهانی با توجه به شرایط بعد از توافق هسته ای

۳- تعیین عرصه ها و سوژه های محوری مبارزه در ایران که قابلیت تبدیل شدن به یک حرکت اجتماعی را داراست و تلاش برای شکل دادن به حرکت های اعتراضی وسیع حول آنها

۴- تلاش برای ابراز وجود اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر به شکلی برجسته تر و گسترده تر از طریق استفاده فعال از مدیای اجتماعی در امر سازماندهی، تقویت مکانیسم ها و شیوه های مدرن مبارزه در جنبش کارگری، فراخواندن و بسیج خانواده های کارگران در مبارزات، برجسته و مطرح کردن چهره های جنبش کارگری، تلاش برای اتحاد و نزدیکی عملی هر چه بیشتر نهادها و تشکلهای موجود کارگری، دفاع فعال از کارگران زندانی و شکل دادن به یک جنبش بین المللی برای آزادی آنان و ...

۵- نقد ماکسیمالیستی مذهب. تداعی شدن چهره حزب بعنوان یک نیروی ضد مذهبی، تعین بخشیدن به جنبش ضد مذهبی جاری در ایران.

۶- برخورد فعال به تحولات منطقه و تلاش برای تشکیل یک قطب و جبهه فعال چپ و سکولار در برابر نیروهای اسلامی

۷- حضور و دخالتگری فعال در مباحث و گفتمانهای چپ و آنتی کاپیتالیستی در سطح جهانی (علیه

وزن سیاسی کارگر در جامعه بالا رفته است

از صفحه ۴

جریان هر اعتصابی میتوان بافاصله آنرا تشکیل داد. میتوان در تمام روزهای اعتصاب هر روز مجمع عمومی تشکیل داد و تبادل نظر و همکاری کرد. کارگران نورد لوله صفا سازمان یافته ترین مجامع عمومی را سال قبل برگزار کردند و نشان دادند که مجمع عمومی سازمان یافته نیز از زمینه عملی کاملاً مناسبی برخوردار است. اگر هنوز برگزاری مجمع عمومی در روزهای عادی و منظم کردن آن دشوار، بنظر میرسد هر چند بنظر من امکانپذیر و عملی است - اما همین که اعتصاب شروع میشود، مطلقاً مانعی در مقابل برگزاری مجمع عمومی وجود ندارد. و در شرایطی که اعتصابات در مراکز بزرگ و هر بار به مدت طولانی جریان دارد اگر در طول روزهای اعتصاب در این مراکز مجمع عمومی برگزار شود سرعت جنبش مجمع عمومی شکل میگیرد و مشوق مراکز دیگر نیز خواهد شد.

انترناسیونال: در بند ۷ قطعنامه به مقابله با خانه کارگر و گرایش های رفرمیستی اشاره کرده است. از جانب آنها چه خطرانی جنبش کارگری را تهدید می کند و این مقابله به چه شکل می تواند باشد؟

اصغر کریمی: باید بین خانه کارگر و نهادهای دست ساز رژیم با جریانانات رفرمیست تفاوت قائل شد. خانه کارگر و شوراهای اسلامی دست ساز حکومتد برای مقابله با جنبش کارگری، باید اینها را افشا و منزوی کرد، شوراهای اسلامی را منحل کرد و بجای آنها نمایندگان واقعی کارگران را در مجامع عمومی کارگران انتخاب کرد. اینها گرایشی درون جنبش کارگری نیستند. اما درمورد محافل و جریانانات رفرمیستی و یا سنتی و عقب مانده، اینها گرایشی در جنبش کارگری هستند که باید آنها را نقد کرد و نازا بودن روش ها و سیاست های آنها را در مقابل توده کارگر گذاشت. گرایش رفرمیستی هرچند اینجا و آنجا بر برخی خواست های کارگران تاکید میکند و تا اینجا مشکلی

به کمپین عظیم و بزرگ حمایت از کارگران نفت در زمستان ۱۳۷۵ برمیگردد که برای اولین بار طبقه کارگر در مقیاسی جهانی متوجه مبارزات کارگران در ایران و خواست های آنها شد. تصویر رسانه ها از يك جامعه پیشاصنعتی و «شترسوار» جای خود را به تصویر يك جامعه صنعتی، سرمایه داری با يك طبقه کارگر صنعتی و پیشرو داد که برای حقوق خود از جمله حق اعتصاب و تشکل و قرارداد دسته جمعی زیر فشار سرکوب يك حکومت، که تا مغز استخوان با کارگران دشمنی دارد، مبارزه میکند. این راه را بر همبستگی جهانی در سالهای بعد هموار کرد. سازمان های کارگری در اقصی نقاط جهان از اعتصابات کارگری و بویژه از کارگران زندانی مطلع شدند و از آن تاریخ حمایت جهانی از مبارزه کارگران در ایران و تلاش برای آزادی کارگران زندانی به مبارزه طبقه کارگر ایران اضافه شد.

این هم از اهمیت سیاسی برای فشار به جمهوری اسلامی برخوردار است و بدرجاتی جمهوری اسلامی را مجبور کرده است دست و پای خود را جمع کند و هم اهمیتی استراتژیک دارد. در مقابل جنبش های طبقه حاکم که انواع امکانات درون مرزی و برون مرزی را دارند و معمولاً رسانه های دست راستی هم در کنار آنها هستند، طبقه کارگر نیز باید نیروی جهانی خود را به میدان بیاورد. خوشبختانه در حال حاضر، فعالین کارگری به این مساله اهمیت میدهند و این به وجهی از مبارزات آنها تبدیل شده است.

انترناسیونال: درباره جنبش مجمع عمومی تا به حال زیاد صحبت کرده اید. شرایط برای برپایی مجمع عمومی و راه اندازی يك جنبش مجمع عمومی چقدر مناسب است؟ موانع سر راه مجمع عمومی چیست؟

اصغر کریمی: مجمع عمومی واقعی ترین و عملی ترین ظرف متشکل شدن کارگران در شرایط کنونی در ایران است. عملی است چون بویژه در

غیر طبقه ای را از این جنبش کند و همه جا سنت های نوین را پر و بال داد. تنها با این سنت های نوین است که طبقه کارگر واقعاً نیروی خود را آزاد میکند و قادر میشود همراه با حزب خود، جامعه را از شر حاکمیت طبقه استثمارگر رها کند و آزادی و رفاه و برابری را برای کل جامعه به ارمغان آورد.

حزب کمونیست کارگری مولفه های این جنبش نوین را گام به گام و بطور مستمر و سیستماتیک و منسجم تثبیر کرده و در عمل تلاش بی وقفه ای برای عملی شدن آنها به پیش برده است. خوشبختانه حقانیت این سیاست در میان طیف قابل توجهی از فعالین کارگری، جا افتاده و صرفنظر از میزان نزدیکی یا دوری آنها به حزب، با استقبال مواجه شده است. قطعنامه ای که در پلنوم اخیر حزب به تصویب رسید، در واقع حاصل این پیشروی در دهه گذشته بوده و در عین حال تلاشی است برای تحکیم و تقویت این گرایش در جنبش کارگری. شخصاً امیدوارم طیف هر چه وسیعتری از فعالین کارگری و بویژه نسلی از فعالین جوان کارگری که در دل اعتصابات و اعتراضات سال های گذشته شکل گرفته است، هر چه بیشتر به اهمیت این جهتگیری پی ببرند و نقش تاریخی خود را عملی کنند.

قطعنامه در مورد جنبش کارگری

با توجه به

- ۱- چشم انداز رکود و فلج اقتصادی، تشدید سیاست های ریاضت کشی و اعمال فشار بیشتر به فعالین و نهادهای کارگری
- ۲- گستردگی مبارزات کارگری و مقابله با تعرضات حکومت و کارفرمایان
- ۳- گسترش ابعاد اجتماعی مبارزات کارگری از جمله برپایی تجمعات اعتراضی بیرون از مراکز کار و نقش فعال خانواده ها در این مبارزات، و استفاده فعال و موثر از مدیای اجتماعی
- ۴- ابراز وجود سیاسی جنبش

کارگری از طریق طرح مطالبات عمومی رفاهی و سیاسی مردم
۵- تقویت موقعیت طبقه کارگر و جناح چپ جامعه در مقابل دولت و طبقه حاکم و جنبش های بورژوازی و ناسیونالیستی از طریق ابراز وجود سیاسی و اجتماعی جنبش کارگری
۶- وجود نهادهای علنی متشکل از فعالین کارگری و فعالیت چهره های سرشناس جنبش کارگری در سطح جامعه

پلنوم کمیته مرکزی حزب، بر پیشبرد اقدامات زیر در این دوره تاکید میکند:

- ۱- معرفی مستمر کلیه فعالین و چهره های رادیکال جنبش کارگری و تشکل های کارگری مستقل از دولت به جامعه و تلاش برای تقویت همکاری میان آنها
- ۲- تلاش و فعالیت برای آزادی کارگران زندانی و حمایت از خانواده آنها
- ۳- رسانه ای کردن هرچه بیشتر مبارزات کارگری و از جمله تقویت حضور در مدیای اجتماعی و شبکه های اجتماعی
- ۴- تقویت فعالیت بین المللی در جلب حمایت سازمان های کارگری و نهادهای انسان دوست از جنبش کارگری در ایران
- ۵- تلاش مستمر برای حضور فعال خانواده های کارگران و جلب حمایت مردم از اعتراضات کارگری
- ۶- دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و پیشروی به سمت ایجاد تشکل های توده ای کارگری
- ۷- مقابله با خانه کارگر و سایر نهادهای دست ساز رژیم و نقد گرایشات رفرمیستی، عقب مانده و سنتی و حزب گریز در جنبش کارگری

پلنوم از رهبری حزب میخواهد که برای تقویت این سیاست، کلیه امکانات سازماندهی، سیاسی و تبلیغی خود در داخل و خارج کشور را در این زمینه هم جهت و بسیج کند.

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

اعلام ورشکستگی اخلاقی اروپا، معامله کثیف با ترکیه



سیامک بهاری

معامله اتحادیه اروپا با دولت ترکیه برای متوقف کردن عبور آوارگان جنگی و پناهجویان از مرزهای آبی و خاکی آن کشور به سوی اروپا، نباید به دور از انتظار باشد. طبعاً همه دولت‌هایی که مستقیم و یا غیرمستقیم در جنگ افروزی و آواره و بی خانمان کردن و کشتار و نابودی و ناامنی دست دارند. نمی‌خواهند بار مسئولیت جنایات و فجایع دردناکی که ایجاد کرده‌اند را بپذیرند.

دولت اردوغان که خود بخشی از صورت مسئله ناامنی و منازعات و از آتش بیاران جنگ افروزی در منطقه است از سوی اتحادیه اروپا مورد تشویق و تقدیر قرار می‌گیرد، نه تنها مشوق مالی و پرداخت هزینه سرکوب صدها هزار پناهجو و آواره جنگی یا درگرس به آن وعده داده می‌شود که درهای بسته‌ای را که دول به ظاهر متمنن اروپا به نام آنچه خود "دفاع از حقوق بشر" می‌نامند بر روی آن باز می‌کنند. دیگر دولت اردوغان نیازمند نیست برای ظاهر سازی هم که شده، خود را پایبند به مفاد "حقوق بشری" بداند. ماموریت خونی که به قیمت نابودی هزاران انسانی که از جهنم جنگ بشار اسد و داعش و جمهوری اسلامی ایران و طالبان گریخته‌اند، حق ورود به قلعه اروپا را ندارند. آن رشت های بشر دوستانه و ادعاهای حاتم بخشی که دولتهای آلمان و اتریش تحت فشار افکار عمومی مردم متمنن برای پذیرفتن همه پناهجویان و آوارگان جنگی که بخشا قربانی سیاست های مماشات و بند و بست همین دولتها با نظامهای خودکامه و نیروهای ضد بشری خاورمیانه اند اینک بدل به يك ستیز بیرحمانه و فوق خشن شده است. بستن مرزها و عریه های احزاب راست و میانه علیه پناهجویان بخشی از نمایش رایج انتخاباتی احزاب بورژوازی در اروپا است.

دولتهای غربی، تقاب بر میدارند و چهره کریه خود را در این معامله

کثیف و ضد بشری به نمایش می‌گذارند.

داود اوغلو نخست وزیر ترکیه، یکشنبه ۲۹ نوامبر، سرمست از این و بند بست رذیلانه، آنرا "روزی تاریخی" می‌نامد. او بیراه هم نمی‌گوید؛ این روزی تاریخی است، و تاریخ گواهی خواهد داد که همه دول سرمایه داری اروپا دست در دست هم، نه فقط با بستن چشمهایشان بر حقیقت آشکار فاجعه پناهجویی تاریخ معاصر، که با بستن مرزها، با قوانین سختگیرانه، با پرداخت هزینه چند میلیارد یورو به دولتی که سیاهترین کارنامه ضد بشری را در پرونده حکومتی خود دارد و علیه مردم کشور خود بدون هیچ و بیم و شرمی آتش می‌گشاید، دستگیر و شکنجه میکند و یکی از مخوف ترین و هارترین سازمانهای امنیتی منطقه را به جان مردم خود انداخته است. بدون کوچکترین پروا از جنایت آشکاری که مرتکب می‌شوند، در ستایش این دولت و حقی که از آن "ضایع" شده است داد سخن سر میدهند.

بر اساس این زد و بند، دولت اردوغان سه میلیارد یورو به همراه مشوقهای سیاسی دریافت خواهد کرد تا با کنترل مرزهای آبی و خاکی و سواحلش به سمت یونان، پناهجویان را در خاک ترکیه متوقف کند. اگر این پروژه از سوی دولت اردوغان به ثمر برسد و تعهدات آشکار و پنهان دولت ترکیه اجرا شود، معامله پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا به جوش خوردن نزدیکتر خواهد شد. شهروندان ترکیه نیازی به گرفتن ویزا برای سفر به کشورهای محدوده شنگن نیز نخواهند داشت.

ترکیه کشوری ناامن برای پناهجویان

یکی از مشهورترین علل برای پذیرفتن ترکیه در اتحادیه اروپا، سرکوب خشن پلیسی مخالفان و سطح پایین استانداردهای حقوق شهروندی و آزادیهای سیاسی،

ظالمانه و غیرمستقل بودن دستگاه قضایی و دخالت سازمان یافته امنیتی در زندگی شهروندان، سرکوب قهرآمیز مردم در مناطق کرد نشین، پایین بودن سطح رفاه و بهداشت و از همه علنی تر، فساد دستگاه دولتی و اداری ترکیه است. بطور متوالی دولتهای حاکم بر ترکیه پرونده ای قطور از جنایت گسترده علیه شهروندان خود داشته اند.

حال کشور ترکیه زیر سیطره شوم اردوغان و سوابق سیاه گرگهای خاکستری، به مکانی امن برای پناهجویان بدل شده است!

یکی از بدترین و دردناکترین شرایط زندگی وضعیت فاجعه آمیز در کمپهای پناهندگی در ترکیه است. بیش از دو میلیون پناهجو عمدتاً سوری در این کمپها با کمبود ابتدایی ترین امکانات زیستی روبرو هستند. رفتارهای فوق خشن و بیرحمانه ماموران دولتی علیه پناهجویان، این کمپ ها را به جهنمی برای ساکنین آن بدل کرده است.

منابع معتبر خبری، بارها و بارها در باره اینکه کشور ترکیه محل ترانزیت و جابجایی نیروهای داعش زیر نظر دستگاه امنیتی ترکیه است، افشاری کرده اند. بیمارستانهای بسیاری از شهرهای ترکیه مملو از مجروحین سازمان تروریستی اسلامی داعش است. معامله پر سود خرید نفت قاچاق از پالایشگاههای سوریه که به تصرف داعش درآمده است و کاروانهای تانکهای نفتی در خدمت داعش، اساساً و تنها در ترکیه قابل مبادله است. سود هنگفت این معاملات روزانه به چندین میلیون دلار میرسد. همه این اتهامات توسط شبکه های خبری معتبر به دفعات منعکس و افشا شده است.

دولتهای به ظاهر متمنن اروپا و در راس آن آلمان به متحدی بی پرستی و شارلاتان چون دولت اردوغان که بتواند با سرکوب عربیان، عبور پناهجویان و آوارگان جنگی به سمت اروپا را کند و در نهایت متوقف

کند، نیاز فوری دارد. بر اساس همین نیازمندی، این متحد پر درد سر ناتو به یکباره تمامی پرونده قطور و مالا مال از فجایع تاریخی اش به محسنات ویژه ای بدل میشود. طنزی تلخ و گزنده که مستقیماً خاک در چشم قربانیان بیشمار جنایات سیستماتیک پلیس و دستگاه امنیتی دولت ترکیه می‌باشد.

مجیز گویی مشتمل کننده ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، در باره معامله با ترکیه به خوبی افشاگر رفتار و منش دولتهای سرمایه دار و اخلاقیات حاکم بر سیاست آنهاست. او میگوید "ترکیه یکی از همسایگان مهم اتحادیه اروپاست، نه فقط برای آنکه ما به هم نیاز داریم، بلکه بدین علت نیز که ما با هم می‌توانیم دستاوردهای بیشتری داشته باشیم" "ترکیه نه تنها لایق احترام ما بلکه سزاوار برخورداری از حمایت ماست. ما می‌خواهیم همکاری با ترکیه را و رای بحران کنونی پناهندگی نیز تعمیق ببخشیم. حمایت ما از ترکیه برای دستیابی سریعتر به موازین اروپایی در عرصه های انرژی، قضایی و حقوق بشر به سود خود ما خواهد بود."

بزرگ کردن يك دولت سرکوبگر و بیرحم آنها هم با این اوصاف بشدت دروغین و مبالغه آمیز، بخوبی از اهمیت جایگاه استراتژیک ترکیه برای عملی کردن سیاستهای مشترک ناتو در منطقه و از جمله اجرای سیاست ضد پناهندگی اتحادیه اروپا به کمک ترکیه پرده بر میدارد.

سالانه هزاران شهروند ترکیه به دلیل سرکوب قهرآمیز پلیسی ناچار به فرار از کشور و تقاضای پناهندگی در کشورهای اروپایی هستند. اتحادیه اروپا حال تصمیم گرفته است این ناامنی آشکار سیاسی را نه فقط نادیده بگیرد، بلکه با تایید سیاستهای دولت اردوغان ترکیه را بعنوان "بهشتی" برای استقرار صدها هزار پناهجو معرفی کند.

در اولین روز خوش خدمتی دولت ترکیه طی يك عملیات گسترده

پلیسی در حوالی شهر بندری آیواجیک ۱۳۰۰ پناهجو در حال فرار از ترکیه به سمت یونان دستگیر شده اند.

وانگهی اگر کشور ترکیه مکانی امن برای پناهجویان بود، بالغ بر ۷۲۰ هزار پناهجو، در همین چند ماه اخیر، خود را با خطرناک ترین وسایل و با پرداخت هزینه های سنگین به آب و آتش نمیزدند تا با عبور از "دریای آدمخوار" مدیترانه به سمت اروپا بروند.

جان دوندار، سردبیر روزنامه جمهوریت و اردم گل، رئیس دفتر این روزنامه در شهر آنکارا، در نامه ای اعتراضی و افشاگرانه از سران کشورهای اتحادیه اروپا خواستند که بر سر "حقوق بشر" با دولت اردوغان دست به معامله نزنند. آن دو به آنجلا مرکل و فرانسوا اولاند نوشتند؛ "ما همچنان امیدواریم که تلاش شما برای پایان دادن به بحران پناهجویی، ناقض ارزشهای اساسی غرب از جمله حقوق بشر، آزادی بیان و مطبوعات نباشد." پس از این افشاری، هر دو روزنامه نگار با شکایت رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه این دو روزنامه نگار مشهور، به اتهام "جاسوسی و عضویت در يك شبکه تروریستی" بازداشت و به زندان سیلیوری در نزدیکی استانبول انتقال داده شدند.

گوتر بورکهارد، رئیس سازمان مدافع حقوق پناهندگان "پرو آزول" در آلمان هم مانند دو روزنامه نگار ترکیه ای هشدار می‌دهد و تاکید می‌کند که اتحادیه اروپا نباید به بهای نادیده گرفتن حقوق انسانها "معامله های کثیف" با دولت ترکیه انجام دهد. او چنین معامله رسوایی را "اعلام ورشکستگی اخلاقی اروپا"



نگاهی به اخبار آذربایجان آبان ۱۳۹۴

شلا خباز زاده عضو کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

سخنان این مقام جمهوری اسلامی که اعلام می کند "آذربایجان استان امنیتی است"، در عین حال نشان می دهد که دستگاه قضائی بخش مهمی از نیروی سرکوب حکومت است.

تاثیرات فاجعه بار به نابودی کشیدن دریاچه ارومیه در زندگی مردم آذربایجان تا چندین نسل باقی خواهد ماند. تهاجم جمهوری اسلامی به محیط زیست همچنان ادامه دارد. پروژه هدایت پساب "تصفیه شده" فاضلاب تبریز به دریاچه ارومیه از پروژه های دیگری است که هر چند می تواند امکانی برای دزدی و چپاول مقامات فراهم کند اما به احتمال زیاد نابودی این دریاچه را تسریع خواهد کرد. با توجه به نبودن و عدم رعایت استانداردهای علمی برای تصفیه کامل پساب فاضلاب ها، رشوه خواری و فساد عمیق در دست اندرکاران جمهوری اسلامی، به احتمال زیاد کانالی که قرار است با هزینه زیاد احداث شود فقط سموم بیشتری را به دریاچه ارومیه منتقل خواهد کرد.

بیش از ۱۴۰۰ کلاس درس در استان زنجان از بخاری نفتی استفاده می کنند

یعقوبعلی عبادی معاون آموزش و پرورش استان زنجان: ۵۰ درصد مدارس استان زنجان از بخاری نفتی کاربراتودار و تابشی استفاده می کنند.

ورود سالانه ۴۰۰ هزار پرونده به دادگستری آذربایجان غربی

دادگستری آذربایجان غربی از ورود سالانه ۴۰۰ هزار

پخش این برنامه را با هدف شقه شقه کردن کارگران و ممانعت از اتحاد کارگران دانستند. این اعتراضات رژیم را وادار به عقب نشینی کرد و مقامات تلویزیون جمهوری اسلامی ناچار به عذرخواهی شدند. اما مردم گول نمی خورند و پخش چنین برنامه چندش آوری از سیمای جمهوری اسلامی را بخاطر سیاستهای فاشیستی و نفاق افکنی قومی از طرف جمهوری اسلامی در بین مردم می دانند.

تسونامی اعتیاد از دیگر پدیده های جمهوری اسلامی است. بطور رسمی اعلام کرده اند که در شش ماه اول سال بیش از یازده هزار نفر به کمپ های ترک اعتیاد مراجعه کرده اند، و اینها فقط بخش کوچکی از معتادان هستند. اکثریت معتادان بخاطر شرایط غیرانسانی این کمپ ها از مراجعه به آنها خودداری می کنند و بسیاری به اجبار به آنجا فرستاده میشوند. فوت ۵۲ نفر بخاطر اعتیاد و دستگیری یازده هزار نفر به "جرم" اعتیاد در فاصله ۶ ماه نشان دهنده خود بیان کننده سیاست ضد انسانی رژیم در مورد معتادان است. اگر به خبر مربوط به تیر ماه و سخنان رئیس دادگستری آذربایجان غربی مراجعه کنیم بخش بزرگی از ۴۰۰ هزار پرونده ای که در دادگستری مطرح است مربوط به معتادان است. اعترافات توکل حیدری رئیس دادگستری در مورد وضعیت غیر انسانی زندانیان خود سند محکمی است که می توان بر اساس آن مقامات قضائی جمهوری اسلامی را بخاطر رفتارشان با زندانیان به پای میز محاکمه کشاند.

تحمیل کند. تهدید های محسن حسنخانی فرمانده نیروی انتظامی آذربایجان شرقی هم یکی دیگر از این تهاجمات را نشان می دهد. این بار مانکن های پشت ویتترین و تابلوها و بنرهای مغازه هم مورد تهدید سردار اسلامی قرار گرفته اند. سخنان وی بیش از هر چیز زیر پا گذاشتن مقررات اسلامی توسط مردم و وحشت رژیم از این بابت است.

بیکاری در جمهوری اسلامی ابعاد وحشتناکی پیدا کرده است. این فقط بخاطر ناتوانی جمهوری اسلامی در ایجاد کار نیست بلکه اقتصاد مافیائی و غارتگری رژیم است که ابعاد بیکاری و فلاکت مردم را هر روز بیشتر می کند. وجود ۴۰ هزار تحصیل کرده بیکار فقط در استان آذربایجان غربی و به تعطیلی کشیده شدن واحد های تولیدی بخاطر فلج اقتصادی جمهوری اسلامی است. ناتمام ماندن ۲۰۰۰ پروژه در استان آذربایجان غربی، فقط بخاطر بی لیاقتی مقامات جمهوری اسلامی نیست. این پروژه ها بخاطر رفاه و آسایش مردم راه اندازی نشده و حتی در صورت به اتمام رسیدن هم کمکی به آن نمی کند، بلکه هر کدام منبعی برای دزدی و چپاول برای نهادها و مقامات مختلف حکومتی است که پس از پر کردن جیب های خود این پروژه ها را رها می کنند.

اما از مهمترین واقعه ماه گذشته بروز اعتراضات گسترده در شهرهای مختلف آذربایجان و نقاط دیگر ایران در مقابل برنامه توهین آمیز و نفرت پراکنی قومی از تلویزیون جمهوری اسلامی است. کارگران تراکتور سازی بدرستی

کرد. این این کارگران هستند که باید تاوان دزدی های هزار میلیاردی دار و دسته سعید مرتضوی از سازمان تامین اجتماعی، را بپردازند. رقم غارتگری ها توسط این باند آنقدر بزرگ است که دزدی يك میلیارد تومانی در تامین اجتماعی استان اردبیل در دولت حسن روحانی، به حساب نمی آید. ثروت سازمان تامین اجتماعی از دسترنج کارگران تامین شده، آنها خود باید اداره کننده این سازمان باشند و اموال بغارت رفته را از حلقوم سران جمهوری اسلامی بیرون بکشند.

در سایه حمایت جمهوری اسلامی مالکان شرکت تبریز کف می توانند ۲۴ ماه حقوق کارگران این شرکت را نپردازند. هیچ نهاد دولتی و هیچ دادستانی به سراغ کارفرمایان که در دفتر مجلل خود در یکی از برجهای شمال شهر تهران نشسته اند، نرفته است و آنها را بجرم دزدیدن حقوق کارگران تحت تعقیب قرار نداده است. در مقابل برای کارگران خط و نشان میکشند و تجمع کارگران برای دریافت دستمزد خود را غیرقانونی اعلام می کنند. اما این سفره خالی کارگران است که بی اعتباری قانون سرمایه داران و حکومت آنها را نشان می دهد.

"اقدامات امنیت اخلاقی" اسم رمزی است که جمهوری اسلامی برای اقدامات خود علیه زنان، جوانان، علیه شادی و يك زندگی آزاد گذاشته است. پس از گذشت ۳۷ سال هنوز رژیم اسلامی نتوانسته است با تهاجمات وحشیانه خود قوانین و سنن عقب مانده و ارتجاعی خود را بر مردم و بویژه بر زنان

در يك نگاه به گوشه ای از اخبار منتشر شده از آذربایجان، می توان وضعیت اکثریت مردم را در آذربایجان و سایر نقاط ایران دریافت. این خبر که ۱۴۰۰ کلاس درس با بخاری نفتی گرم میشوند را باید در کنار خبر دزدی های هزار میلیاردی سران رژیم گذاشت که هر روز گوشه ای از آن منتشر میشود. هزاران کودک به خاطر مقرون صرفه نبودن باید در معرض خطر آتش سوزی و نفس کشیدن در هوای آلوده باشند، تا حساب های بانکی آیت اله های میلیاردر و سرداران سپاه و باندهای مافیائی جمهوری اسلامی پر شود.

در بناب بیش از يك چهارم مردم شهر یعنی ۳۳ هزار نفر در سرپناه هایی بسر می برند که با مشقت تمام برای خود در اطراف شهر ساخته اند تا از سرمای طاقت فرسای زمستان در امان بوده و سایه ای در گرمای تابستان بر سر داشته باشند. فرماندار شهر این سرپناه ها را سکونتگاه های "غیررسمی" می نامد و به شهرداری فرمان تخریب آنها را می دهد. اما از نظر مردم بناب حکومتی که نتواند مسکن مناسب برای مردم تامین کند، غیر رسمی است و باید گورش را گم کند. آنها بجای سرپناه های محقر خود خواستار خانه هایی مستحکم و با تمام امکانات يك زندگی راحت هستند.

حمله رژیم فقط به مساکن مردم نیست. سازمان تامین اجتماعی زنجان ۳۵۰۰ کارگر را از بیمه های این سازمان اخراج و هزاران نفر را از خدمات درمانی ناچیزی که این سازمان ارائه می کند، محروم

نگاهی به اخبار آذربایجان، آبان ۱۳۹۴

از صفحه ۱۰

پرونده خبر داده است. توکل حیدری رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی گفت: ... آذربایجان غربی استانی امنیتی است و قضات دادسراها و دادگاه انقلاب با قوت و قدرت در مقابل همه پدیده های شوم ایستاده و خواهند ایستاد. توکل حیدری قبلاً اعلام کرده بود که آمار زندانیان ۴ برابر ظرفیت اسمی و قانونی زندان هاست و در زندانهای استان جای برای زندانیان نداریم. از کف خوابی گرفته تا راهرو خوابی و زیر پله و کنار دستشویی و غیره ...

حذف ۳۵۰۰ کارگر توسط سازمان تامین اجتماعی

سازمان تامین اجتماعی استان زنجان در ادامه اجرای حذف بیمه بخشی از کارگران ایران، سه هزار و پانصد کارگر را از سیستم پوشش بیمه ای خارج کرد.

اعتراض خیابانی کارگران تبریز کف به عدم پرداخت ۲۴ ماه حقوق معوقه

کارگران کارخانه تبریز کف روز چهارشنبه ۲۷ آبان ماه، در اعتراض به عدم پرداخت ۲۴ ماه حقوق معوقه شان دست به تجمع خیابانی در مقابل فرمانداری مردند زدند. این کارگران از سه سال قبل با مشکل اخراج و بیکارسازی عمده کارفرما روبرو هستند و بارها در مقابل فرمانداری مردند و استانداری تبریز دست به تجمعات اعتراضی خیابانی زده اند. کارفرما دست در دست عوامل حکومتی شهرستان مردند و تبریز کارگران را سردوانده و کوچکترین اهمیتی به شرایط جهمی ناشی از فقر و فلاکت و بی حقوقی کارگران و خانواده هایشان نداده است.

تجمع کارگران کارخانه تبریز کف مردند

ایرنا: کارگران کارخانه تبریز کف مردند روز یکشنبه با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر، رسیدگی به مطالباتشان را خواستار شدند یکی از کارگران حاضر در این تجمع که نخواست نامش فاش شود، افزود: در فروردین ماه سال جاری در فرمانداری مردند، کمیسیون کارگری تشکیل شد و مالک کارخانه "تبریز کف" متعهد به راه اندازی کارخانه و پرداخت حقوق ماهانه کارگران شد اما تا به امروز به تعهد خود عمل نکرده است. وی افزود: حقوق کارگران از ۱۹ ماه قبل و حق بیمه آنان از مرداد سال جاری پرداخت نشده است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: فرماندار ویژه مردند، تجمع کارگران در مقابل فرمانداری این شهر را غیرقانونی اعلام کرد.

رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی مردند نیز گفت: تنها مرجع رسیدگی به خواسته های کارگران اداره کار می باشد و کارگران برای تکمیل فرم شکایت به اداره کار مراجعه کنند. امیر محمدزاده اضافه کرد: حقوق کارگران تا آخر سال ۹۱ پرداخت شده است اما از سال ۹۲ پرداخت حقوق ها به صورت نامنظم بوده است. تجمع کارگران کارخانه "تبریز کف" برای چندمین بار متوالی در این شهرستان تکرار می شود

تشدید "اقدامات امنیتی اخلاقی" در استان آذربایجان شرقی

در ماه گذشته نیروی انتظامی رژیم به بهانه "امنیت اخلاقی" حملاتی را بر علیه زنان و مردم آغاز کرده است. در این رابطه محسن حسناخانی فرمانده

نیروی انتظامی آذربایجان شرقی از تشدید اقدامات امنیتی اخلاقی در استان خبر داد و گفته است: نیروی انتظامی با بدحجابان، مزاحمان نوامیس، سگ گردانان و رانندگانی که اقدام به دور دور و ایجاد آلودگی صوتی می کنند، به شدت برخورد می کند. ... وی با اشاره به نوع پوشش مانکن های استفاده شده در صنوف مختلف، ادامه داد: با مانکن هایی که اشاعه دهنده فرهنگ منحط غرب است، به شدت برخورد می کنیم. سردار حسن خانی افزود: برخی تابلوها و بنرهایی در سطح شهر مشاهده می شود که دارای عناوین و اصطلاحات بیگانه و ترویج دهنده فرهنگ غربی است که دستور جمع آوری آن داده شده است.

بیش از نصف کارخانه های قطعه سازی تبریز تعطیل شده و بقیه با ظرفیت کمتر از ۳۰ درصد کار می کنند

شمارش معکوس برای نابودی صنعت قطعه سازی آذربایجان، فعالیت واحدهای قطعه سازی استان با توان ۳۰ درصد رضا پاشایی رییس انجمن صنایع نیرو محرکه و قطعات خودرو کشور و نایب رییس خانه صنعت و معدن تبریز می گوید، بیش از نصف از کارخانجات واحدهای قطعه سازی استان تعطیل شده و یا با توان کمتر از ۳۰ درصدی کار می کنند بیکاری جوانان مهم ترین نگرانی و دغدغه همه اقشار جامعه است و بسیاری از ناهنجاری و بزهکاری ها ناشی از نبود اشتغال و کار برای جوانان است. ایسنا

اعتراضات علیه نفرت پراکنی قومی در آذربایجان

ایسنا: جمع کثیری از دانشجویان دانشگاه تبریز ظهرروز سه شنبه با پرپایی تجمع در داخل این دانشگاه اعتراض خود را به اهانت شبکه دو سیمما به مردم آذربایجان

اعلام کردند

بیانیه دریافتی جمعی از کارگران تراکتورسازی تبریز:

ما کارگران تراکتور سازی تبریز که گوشه ای از اقتصاد این مملکت را می چرخانیم شایسته این توهین و تحقیر رذیلا نه نیستیم که با بی شرمی تمام در شبکه سراسری به نمایش در می آید و وقیحانه تر آنکه ادعا می کنند سهوی بوده است در صورتی بر پخش برنامه ها از هزاران فیلتر می گذرد که سهوی بودن به نظر ما توجیهی بیش نیست. این برنامه هدایت شده ای بوده است که اهداف مشخصی را دنبال می کند که هدف اصلی اش پاشیدن تخم نفرت است تا طبقه کارگر را چند صباحی سرگرم کند و شقه شقه نماید تا اتحاد مردم و طبقه کارگر به حاشیه براند و مسائل فرعی جامعه را اصلی کنند تا منافع حاکمین را تامین نمایند و کارگر "کرد"، ترک، عرب، بلوچ و فارس" زبان را به خون یکدیگر تشنه کنند تا مبادا اتحاد اینها طومارشان را در هم بکوبد. به هر حال ما این حرکت فاشیستی و ضد انسانی را محکوم می کنیم و از کارگران می خواهیم که ما فریب این خیمه شب بازی ها را نخوریم و بر اتحاد کارگری و انسانی خود پافشاری کنیم.

زندانیان صحرایی یا کمپ ترک اعتیاد؟

مدیرکل بهزیستی آذربایجان شرقی: ۳۸ کمپ ترک اعتیاد در آذربایجان شرقی داریم. وی در ادامه گفته است: در استان ما ۳۸ مرکز میان مدت یا کمپ وجود دارد که در شش ماه نخست امسال ۱۱ هزار و ۴۸ نفر به این مراکز مراجعه کرده اند و تمام کمپ های ترک اعتیاد فعال در این استان با مجوز رسمی از اداره کل بهزیستی استان فعالیت می کنند و این کمپ های دارای مجوز نمی توانند کسی را مورد آزار و اذیت و یا ضرب و

شتم قرار دهند، اگر با این اوصاف برخی از افراد اظهار نارضایتی از اقدامات کمپ های ترک اعتیاد می کنند این احتمال وجود دارد که این اظهارات توسط معتادانی که به اجبار قانون به ترک مواد به کمپ های ترک اعتیاد انتقال یافته شده اند و می توان گفت که این اظهارات کذب است که از سوی این معتادان مطرح می شود.

بر اساس آمارها تنها حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد مراجعه کنندگان برای ترک اعتیاد بعد از بهبودی به دنبال مصرف مواد نمی روند و متأسفانه ۷۵ تا ۸۰ درصد این افراد بعد از بهبودیافتگی دوباره به سمت مواد مخدر گرایش پیدا می کنند.

اعتراض حاشیه نشینان اردبیل

بنا به خبر درج شده در رسانه های دولتی تعدادی از ساکنان محله گلستان اردبیل، از مرد و زن و کودک با در دست گرفتن چراغهای نفتی در مقابل استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع کنندگان به نبود سیستم برق رسانی به محله شان معترض بودند.

گوشه ای از فاجعه بیکاری

۴۰ هزار جوان تحصیل کرده در استان آذربایجان غربی بیکار هستند. این موضوع را سعادت استاندار اعلام کرده و گفته است این تحصیل کردگان که دارای مدرک، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا هستند و این بیکاری سبب ناراحتی و ایجاد مشکلات بسیاری در بین خانواده ها، جوانان جویای کار و مسئولان شده است.

شهرداری بناب در صدد تخریب خانه های مردم حاشیه نشین این شهر میباشد

از جمعیت ۱۴۰ هزار نفری شهرستان بناب ۳۳ هزار و ۱۷۲ در ۱۱ محله "سکونتگاههای غیررسمی" این صفحه ۱۲

زنده باد فریده آرمان! زنده باد انسانیت!

حسن صالحی

روز ۲ دسامبر ۲۰۱۵ فریده آرمان به خاطر فعالیتهای ارزنده خود برای بهبود زندگی کودکانی که شاهد خشونت علیه مادرانشان در روابط خانوادگی بوده اند جایزه ای را نصیب خود کرد. نام پروژه ای که فریده آرمان مدیر مسئول آن بود و از سوی "فدراسیون مدافع حقوق زنان - kvinnorättsförbundet" در کشور سوئد به پیش برده شد "BOM" یعنی پروژه "کودکان و مادران" بود. این پروژه از بهار سال ۲۰۱۱ شروع شد و تا چند سال ادامه یافت. هدف این پروژه کمک به مادران و کودکانی بود که در روابط خانوادگی تحت خشونت قرار گرفته اند و یا شاهد بروز خشونت بوده اند.

اهدای يك جایزه تقدی به فریده آرمان در واقع بدلیل دستاوردهای مثبت و گرانقدری بود که پروژه "کودکان و مادران" به همراه داشت. بازگرداندن شادی به زندگی کودکان و زنان در معرض خشونت از طریق برگزاری اردوهای تفریحی، برنامه های فرهنگی و هنری و ورزشی متفاوت، تقویت حس اعتماد به نفس در میان زنان و کودکان، بازتاب مسائل این گروه از زنان و کودکان در جامعه از طریق انتشار يك کتاب بسیار خوب به نام Sommarens skiraste ljus - "نور تابستانی" از جمله نتایج شریخش این پروژه انسانی بوده است. کتاب یاد شده در ۲۵۳ صفحه از زبان خود زنان و مادرانی که مورد خشونت واقع شده اند به شرح حال

زندگی شوربخانه آنها می پردازد. این کتاب با تصاویری بسیار زیبا در عین حال شرح حال کمک هایی ست که این زنان و کودکان در پروژه "کودکان و مادران" دریافت داشته اند ضمن تبریک به فریده آرمان و همه همکاران و همراهان او می خواهم به عنوان کسی که از نزدیک شاهد فعالیتهای خستگی ناپذیر این انسان بزرگ و بسیار دوست داشتنی بوده ام از او که برای مسائل انسانی واقعا از دل و جان مایه می گذارد صمیمانه قدردانی کنم. دنیا به وجود چنین انسانهایی حقیقتا نیاز دارد چرا که وجودشان شعله های امید را در زندگی انسانها فروزان می کند و گرمای حضورشان به زندگی گرمای بیشتری می بخشد.

فریده آرمان: کودکان یکی از آسیب پذیر ترین کسانی هستند که ناخواسته و بعثت مشکلات پدر و مادر دچار صدمات بد روحی و بخشا جسمی میشوند.

گزارش کوتاهی از مراسم اهدا جایزه به فریده آرمان



آذر پویا

است. سپس لارش اویری و اوسا شوستروم نویسنده و عکسبردار کتابی بنام باریکه نور تابستانی که در همین رابطه نوشته شده و مشروح فعالیتهای این پروژه را منعکس میکند صحبتهایی ایراد کردند همچنین مارگرتا لارشون مسئول بخش فعالیتهای فرهنگی برای کودکان و مارگوت اولسون مسئول بخش خشونت علیه زنان در کمون مالمو سخنانی ایراد کردند. نمایش فیلم کوتاهی از فعالیتهای و سخنان شیرین بچه هایی که روزهای شادی را تجربه کرده بودند یکی از قسمتهای زیبای برنامه بود که مورد توجه و استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. فریده آرمان یکی از شخصیتها و فعالین خستگی ناپذیر حقوق انسانی است، این جایزه ادای دین بسیار کوچکی بود در مقابل کوهی از کار و فعالیت این انسان بزرگ که با جثه کوچکش در همه میدانهای نبرد علیه بی عدالتی حضور دارد و برای رسیدن به يك دنیای بهتر از هیچ تلاشی فروگذار نیست. زنده باد فریده آرمانزنده باد انسانیت

سوم دسامبر ۲۰۱۵

روز چهارشنبه ۲ دسامبر طی مراسمی رسمی در یکی از هتلها در مرکز شهر استکهلم فریده آرمان دریافت کننده جایزه یکی از بهترین پروژه های سال شد. این جایزه که هر ساله از طرف سازمان یوروفوندن به بهترین پروژه سال تعلق میگیرد امسال به سازمان حقوق زنان و فریده آرمان مسئول این سازمان و پروژه ای به نام کودکان و مادران داده شد. در این مراسم که با حضور جمع کثیری از مسئولین سازمانهای مختلف برگزار شد فریده آرمان در مورد هدف و چگونگی پیشبرد این پروژه سخنانی ایراد کرد. او ضمن توضیح وضعیت دردناک زنان و کودکانی که در خانواده مورد اذیت و آزار قرار میگیرند و با وجود مراجعه و درخواست کمک از خانه های امن باز هم مجبور به تحمل فشار و مشکلات متعدد هستند گفت کودکان در چنین خانواده هایی یکی از آسیب پذیر ترین کسانی هستند که ناخواسته و بعثت مشکلات پدر و مادر دچار صدمات بد روحی و بخشا جسمی میشوند و هدف این پروژه کمک به این کودکان و بازگرداندن آنها به يك محیط شاد و طبیعی مناسب زندگی

نگاهی به اخبار آذربایجان، آبان ۱۳۹۴

شده اند. از ایسنا

از صفحه ۱۱

۱۵۰ میلیون مترمکعب پساب تصفیه شده فاضلاب تبریز به دریاچه ارومیه هدایت می شود

این موضوع را: محمداصداق پورمهدی معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی روز شنبه ۱۱ مهرماه اعلام کرده است. وی مدعی شد: تصفیه فاضلاب تبریز توسط اداره کل آب و فاضلاب و انتقال آن به دریاچه ارومیه توسط آب منطقه ای انجام می شود. ایرنا

بیش از ۲۰۰۰ پروژه نیمه تمام در آذربایجان غربی

خبرگزاری مهر - گروه استانها: آذربایجان غربی بیش از دو هزار پروژه نیمه تمام شامل پروژه های استانی و مصوبات سفر دارد که میراث کمبود اعتبار و بی تدبیری مسئولانی است که امروز توسعه استان را به دلیل هزینه های سرسام آور اتمام آنها را کند کرده است.

استان آذربایجان غربی را شاید

شهرستان ساکن و يك سوم جمعیت شهری بناب را ساکنان اسکان غیررسمی تشکیل می دهند. این ادعا را ولی الله فرج الهی فرماندار بناب کرده و هشدار داده و بر ضرورت جلوگیری شهرداری از ادامه ساخت و ساز در سکونتگاه های غیررسمی این شهرستان تاکید کرد

فوت ۵۲ نفر در اثر اعتیاد و دستگیری ۱۱ هزار نفر به جرم اعتیاد در شش ماه در آذربایجان شرقی

تعداد دستگیر شدگان متهم به "مواد مخدر" در شش ماهه نخست سالجاری را ۱۱ هزار و ۵۱۳ نفری باشد که يك هزار و ۲۰۰ نفر از معتادان دستگیر شده خانم و مابقی مرد است. این خبر را محمد علی نصرتی دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر آذربایجان شرقی حکومت اعلام کرده و گفته است: بیش از ۲ هزار نفر به مراکز ترک اعتیاد منتقل

اتحادیه پست کانادا خواستار آزادی جعفر عظیم زاده، سعید شیرزاد، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شد

آزادی واحد سیده پس از گذراندن ۲ سال حبس!



به گزارش منتشر شده از سوی کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد واحد سیده از فعالین کارگری در شهر مهاباد پس از گذران دو سال حبس ساعت یازده ظهر روز پنجشنبه ۱۲ آذر ۹۴ در میان استقبال گرم جمعی از مردم، خانواده و فعالان کارگری از زندان مرکزی شهرستان مهاباد آزاد شد. آزادی واحد سیده را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک می‌گوییم.

در حال حاضر شماری دیگر از فعالین و چهره های شناخته شده کارگری و معلمان معترض از جمله جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، فواد و آرام زندی، اسماعیل عبدی، علیرضا هاشمی، محمود بهشتی، عبدالرضا قنبری، علی اکبر باغانی و رسول بداتی همراه با شمار بسیاری از فعالین سیاسی دیگر در زندان بسر می‌برند. کارگران زندانی، معلمان دریند و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۱۳ آذر ۹۴، ۴ دسامبر ۲۰۱۵



کننده مرکل و شرکای اتحادیه اروپا را رسوا می‌کند. خواست فوری جهان متمن این است. مرزها و درهای این قلعه باید به روی پناهجویان و آوارگان جنگی گشوده شود. آنچه باید تغییر کند، قوانین ضد پناهندگی اتحادیه اروپا است! این معامله کثیف برای پایمال کردن ارزشهای شناخته شده جهان متمن باید بر سر معامله کنندگانش خراب شود. هیچ انسانی غیر قانونی نیست!

گمراه کردن اذهان عمومی بکار می‌رود. آنجلا مرکل می‌گوید: "یک نکته مهم این طرح این خواهد بود که ما چطور مهاجرت قانونی را جایگزین مهاجرت غیرقانونی خواهیم کرد". این ادعایی کاملاً واژگونه است. تظاهراتهای هزاران نفره مردم متمن اروپا و تلاشهای تحسین برانگیز و انسانوستانه در باز کردن آغوش محبت بسوی میلیونها انسان پا در گریز، کل این شارلاتانیسم مشمشر

آزاد بعد از ۱۹ روز آزاد شد. سعید شیرزاد بعنوان یک فعال داوطلب در چند ان جی او در ایران از جمله خانه کودکان در شوش و سازمان دفاع از حقوق کودک خیابانی فعالیت داشت.

و در آخر نامه چنین آمده است: "این فعالین مردم ایران را نمایندگی میکنند و از حقوق آنها دفاع میکنند. آنها صدای کودکان، زنان، مردم فقر و کارگران ایرانند و شما باید به این صدا گوش دهید. از همین رو است که اتحادیه کارگران پست همراه با هزاران صدای اعتراض دیگر در سراسر جهان خواستار آزادی فوری سعید شیرزاد و همه زندانیان سیاسی در زندان است. ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها هستیم."

کمیته برای آزادی جعفر عظیم زاده، سعید شیرزاد و همه کارگران زندانی، معلمان دریند و زندانیان سیاسی در جریان است. به هر شکلی که میتوانید با این کارزار همکاری کنید. و صدای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در سطح جهان باشیم.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۱۲ آذر ۹۴، ۳ دسامبر ۲۰۱۵

Shahla.
Daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com



قنبری، محمود بهشتی و علی اکبر باغانی در کنار تعدادی دیگر از فعالین سیاسی بخاطر دفاع از حقوق کارگر و حقوق انسانها در زندان بسر می‌برند. در این نامه در رابطه با سعید شیرزاد چنین آمده است: "سعید شیرزاد متهم شده است به خاطر صحبت با احمد شهید سخنگوی ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر. او ابتدا در اوت ۲۰۱۲ دستگیر شد هنگامی که به شهر اهر در شرق آذربایجان ایران میرفت برای اینکه به زلزله زدگانی که زنده مانده بودند کمک کند. او در آن هنگام در قبال وثیقه

بدنبال تلاش های داود آرام از اعضای کمیته برای آزادی کارگران زندانی در کانادا مایک پارلک دبیر اتحادیه کارگران پست کانادا در اول دسامبر ۲۰۱۵ نامه ای از جانب ۵۲ هزار عضو این اتحادیه خطاب به علی خامنه ای نوشته و اعتراض خود را به دستگیری فعالین کارگری و انسانهایی که بخاطر دفاع از زندگی ای انسانی در زندانند اعلام کرده است. او در این نامه خواستار آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شده است. دو بخش مهم این نامه مربوط به سعید شیرزاد فعال دفاع از حقوق کودک و جعفر عظیم زاده از رهبران شناخته شده کارگری در ایران است. در این نامه در مورد جعفر عظیم زاده چنین آمده است:

"این اولین بار نیست که اتحادیه کارگران پست در مورد فعالین و کارگران زندانی نامه مینویسد و اعتراض میکند. اما ما شاهد افزایش تعداد زندانیان در ماههای اخیر هستیم. یک مورد آن جعفر عظیم زاده است. او که به خاطر دفاع از حقوق کارگران و مبارزه برای یک زندگی بهتر و افزایش دستمزدها، به شش سال حبس محکوم شده است. و هم اکنون نیز تعدادی از فعالین کارگری چون بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، آرام و فواد زندنی، رسول بداتی، اسماعیل عبدی، علیرضا هاشمی، عبدالرضا

اعلام ورشکستگی اخلاقی اروپا، ...

از صفحه ۹

می‌نامد.

پناهجوی قانونی و غیر قانونی

یکی از بنیادهای ضد پناهندگی و ضد انسانی اتحادیه اروپا، الفا کردن عبارت "غیرقانونی" بودن پناهندگی است. عبارت "مهاجرت" هم ظاهراً

تلاشی است برای آنکه از بار فاجعه انسانی و گریز میلیونی مردمی که در جنگهای نیابتی همین دولت‌های به ظاهر محترم و متمن، هست و نیست خود را از دست داده اند، بکاهد. میلیونها انسان بی پناهی که در بدترین شرایط ممکن در کمپهای پناهندگی بسر می‌برند، دست به مهاجرت زده اند! آوارگان جنگی و فراریان از حکومت‌های

دیکتاتور و آدمکش و تروریسم سازمان یافته دولتی در منطقه، مهاجر نیستند.

پناهجو طبق تعریف کنوانسیون ژنو، جانش در خطر است. اطلاق اصطلاح "قانونی و غیر قانونی" و استفاده از واژه مهاجر به جای پناهجو اساساً بهانه و دست مایه اجرای قوانین ضد بشری و ضد پناهندگی است. فجایعی که پشت مرزهای بسته آن در شرف تکوین است اساساً با همین توجیه و برای

یک انقلاب زنانه در ایران که در اعماق جامعه در جریان است

لایپزیک آلمان: روز ۱۲ نوامبر مینا احدی به دعوت کتابخانه مونا لیزا در شهر لایپزیک آلمان درمورد جنبش آزادی زن سخنرانی کرد. دعوت به این جلسه در سطح شهر لایپزیک با استقبال زیادی روبرو شد. او با نشان دادن فیلم کوتاهی از مبارزات زنان علیه حجاب به شکل گیری جنبش نوین زنان در ایران علیه قوانین اسلامی، سنگسار و فرهنگ زن ستیز اسلامی صحبت کرد و به بررسی مبارزات روزمره زنان در ایران در زمینه حقوق فردی و اجتماعی و در سینما و فرهنگ و ورزش و ... با نشان دادن عکس و فیلم پرداخت و در نهایت از یک انقلاب زنانه در ایران که در اعماق جامعه در جریان است حرف زد و گفت آینده از آن این جنبش است و جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی از دست این جنبش گسترده و اجتماعی شکست خواهد خورد. مینا احدی در این سخنرانی پرشور به نقد نسبیت فرهنگی پرداخت و در پایان از حاضرین خواست از مبارزات زنان در ایران و افغانستان و عراق و سودان و ... دفاع کنند.

هر زنی که از دست اسلامی ها فرار کرده بدون اما و اگر باید بعنوان پناهنده سیاسی به رسمیت شناخته شود!

دانشگاه بن: روز ۱۹ نوامبر مینا احدی به دعوت نهادهای دانشجویی و مدافع حقوق پناهندگی در دانشگاه بن سخنرانی کرد. مینا احدی به بررسی روند روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران و نقش دولتهای غربی در تحمیل این بختک بر جامعه ایران اشاره کرد و سپس به کشتار وحشیانه دهه ۶۰ و عامل فرار هزاران نفر از ایران اشاره کرد. او گفت که

درمورد این جنایات هنوز به اندازه کافی افشاگری نشده و مردم در غرب از این فاجعه اطلاع زیادی ندارند. مینا احدی به تریبونالی اشاره کرد که به این جنایات رسیدگی کرد و خواهان برگزاری تریبونال برای بررسی جنایات ۳۶ ساله حکومت اسلامی شد. او سپس به اعتراضات کارگران و معلمان، زنان و دانشجویان پرداخت که همواره با سرکوب و اعدام و زندان پاسخ گرفته است. در ادامه به فرار هزاران نفر بدلیل این سرکوبها و به فرار بعد از سرکوب ۲۰۰۹ پرداخت و با نشان دادن عکس ندا آقا سلطان به دانشجویان گفت این عکس سمبل اعتراضات جوانان در ایران است. ندا با مرگ خود خط بطلانی بر نسبیت فرهنگی کشید و قلب جوانان در ایران را به دنیا وصل کرد. در پایان مینا احدی درمورد قوانین در حکومت اسلامی و ممنوع بودن زندگی و عشق، نفس کشیدن و حرف زدن و ... گفت و دلیل فرار از ایران را به حاکمیت داعشیان در ایران ربط داد. مینا احدی گفت ما سالها است که از حقوق پناهندگی ایرانیان دفاع میکنیم و میگوییم هر زنی که از دست اسلامیها فرار کرده بدون اما و اگر باید بعنوان پناهنده سیاسی به رسمیت شناخته شود.

۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت بر زنان

روز ۲۸ نوامبر به مناسبت روز جهانی علیه خشونت بر زنان انجمن وکلای سوسیالیست هالند در انگلستان یک کنفرانس دو روزه جهانی با عنوان "مبارزه زنان از جنبه حقوقی و جهانی" سازمان داد. در این کنفرانس که حدود سیصد نفر از وکلا و فعالین و مدافعین زنان از کشورهای مختلف شرکت داشتند در باره جنبه های مختلف خشونت بر زنان و دختران جوان در نقاط مختلف دنیا صحبت شد. در این کنفرانس ده کارگاه مختلف درمورد وضعیت زنان برگزار شد. شیوا محبوبی

سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برگزاری یکی از این کارگاهها را به همراه یکی از وکلای مدافع حقوق زنان هندوستان تحت عنوان "زندانیان سیاسی زن" به عهده داشت. شیوا محبوبی در این کارگاه ضمن صحبت درمورد انقلاب ۵۷، اعمال قوانین اسلامی بر زنان، اعتراضات زنان و دخالتگریشان در صحنه سیاسی ایران، جنبش برای برابری زنان و دستگیری زنان صحبت کرد و با نشان دادن عکسهای زندانیان سیاسی زن درمورد فشارهای مضاعف بر زنان در زندان و وضعیت آنها سخن گفت. لازم به اشاره است که کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران یکی از اسپانسرهای این کنفرانس بود.

مالمو (سوئد): شرکت فعالین حزب در میتینگ ۲۵ نوامبر.

فریده آرمان در این میتینگ یکی از سخنرانان بود و بزبان سوئدی درمورد خشونت علیه زنان در کشورهای اسلام سخنرانی کرد.

کلن (آلمان): شرکت فعالین حزب در میتینگ ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان

یکی از سخنرانان این میتینگ نسان نودینیان بود که درمورد خشونت و زن ستیزی علیه زنان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سخنرانی کرد.

اسلو (نروژ): ۲۹ نوامبر ۲۰۱۵، جلسه بحث و گفتگو درباره کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

در مرکز "ضد راسیست" شهر اسلو برگزار شد. با توجه به داغ بودن مساله پناهندگی و حضور پناهجویانی از کویانی، عراق و سوریه در این جلسه، بحث مفصلی پیرامون مشکلات و راهکارهای پناهجویان درگرفت و صبری امیر حسینی و سرور

کاردار به تشریح اوضاع کنونی و پاسخ به سوالات این دوستان پرداختند. مراسم با موزیک توسط سیروان قادری و خسرو زندی به پایان رسید. این مراسم را کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فراخوان داده بود.

گوتنبرگ (سوئد):

جمعه ۱۱ دسامبر

ساعت ۶ و نیم عصر

محل: سالن اجتماعات هاگایو
مراسمی در دفاع از کارگران

زندانی و گرامیداشت صبری آشناگر و کوروش بخشنده و علیه دستگیری فعالین کارگری تدارک دیده شده است. از همگان دعوت میکنیم با حضور در این مراسم از فعالین کارگری دفاع کنند.
این مراسم به دعوت حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست، حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست ایران و شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران برگزار میشود.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتماتیکی هرمقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto, Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

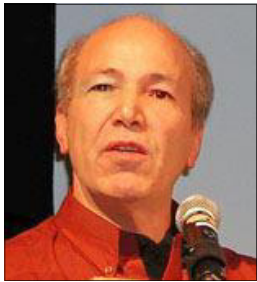
آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



از ما میپرسند: آیا در جامعه کمونیستی اختیار و ابتکار وجود دارد؟

عده ای می گویند که در جامعه کمونیستی هیچ گونه انگیزه ای وجود ندارد و در چنین جامعه ای برای تک تک افراد برای تمام لحظات زندگی تصمیم گیری می شود و ابتکار و اختیاری برای افراد قائل نشده است. این را چگونه توضیح می دهید؟

کاظم نیکخواه پاسخ می دهد:

در این سوال به نکته مهمی اشاره میشود که اتفاقا اجازه میدهد یک جنبه مهم از کمونیسم را اینجا بطور مختصر توضیح دهیم. این یکی از تبلیغات رایجی است که علیه جامعه کمونیستی صورت میگیرد و معمولا با استناد به وضعیت کشورهای بلوک سابق شوروی انجام میشود که چیزی جز سرمایه داری دولتی نبود و ربطی به کمونیسم نداشت. این یکنواختی و بی اختیاری و بی ابتکاری اتفاقا به یکی از مسائل جدی در جامعه امروز یعنی سرمایه داری اشاره دارد که کمونیسم آنرا افشا کرده و مورد نقد قرار میدهد.

کسانی که چنین نقدی از کمونیسم میکنند ظاهرا باید بر این باور باشند که گویا در جامعه موجود چنین ابتکار و اختیاری برای افراد وجود دارد. اما واقعا چنین است؟ از پاسخ به همین سوال ساده میتوان فهمید که چقدر این تبلیغات علیه کمونیسم واقعی است. به زندگی اکثریت مردم همه کارگران بیکار و شاغل و بازنشسته در پیشرفته ترین جوامع موجود نگاه کنید. آیا واقعا این اکثریت مردم اختیاری بر زندگی خود دارند؟ خود تصمیم میگیرند چه شغلی را انتخاب کنند، چند ساعت کار کنند، چه تولید کنند و چه کاری انجام شود؟ آیا این ۹۹ درصد تصمیم میگیرند چه سیاستهایی در جامعه پیاده شود؟ چه حزبی تصمیم گیرنده باشد، چه افرادی صاحب اختیار باشند و غیره؟ آیا این ۹۹ درصد یک ذره در این مورد تصمیم میگیرند که ثروتهای جامعه چگونه خرج شود و در خدمت چه کسانی قرار گیرد؟ آیا این ۹۹ درصد تصمیم میگیرند کجا جنگ شود، کجا صلح شود حتی دارای چند فرزند

باشند، چهره شهر چگونه باشد، چه لباسی بپوشند چه برنامه هایی از تلویزیونها پخش شود و چه چیزی بر در و دیوار خودنمایی کند؟ میتوانستید هرچه سوال در زمینه اختیارات بر جامعه بنظرتان میرسد را ردیف کنید تا به سادگی به این نتیجه برسید که اکثریت مردم یعنی ۹۹ درصد جامعه هیچ اختیار و ابتکاری بر تصمیمات اجتماعی و حتی بر زندگی شخصی خود ندارند. و این یعنی بی منطق و غیر انسانی بودن و وارونگی نظم موجود و برای مردم قابل قبول نیست و نباید باشد.

کارگر در این جامعه و حتی در پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری اگر خیلی خوشبخت باشد حق دارد صبح کله سحر از خانه بیرون برود و شب خسته برگردد و دوباره صبح به همان کار برگردد و هرچه را به او میگویند انجام دهد و زندگیش را تا آخر عمر از قبل پیش فروش کرده است تا مثلا صاحب خانه و سرپناهی باشد. نه فرصت و انرژی کتاب خواندن و سینما رفتن و استفاده از هنر دارد و نه امکان و اختیار و فرصت دارد که در مورد سرنوشت بچه هایش تصمیم بگیرد نه فرصتی می یابد در مورد جامعه ای که در زندگی میکند تعمقی بکند. این داستان زندگی در این جامعه است. جامعه ای که برای اکثریت مردم یک زندگی ماشینی و از قبل تعیین شده و بدون ابتکار و اراده و تصمیم گیری است. کمتر از یک درصد از صاحبان سرمایه با ابزارها و اهرمهای بسیاری که در اختیار دارند بر همه چیز حتی بر فکر مردم حکومت میکنند و همیشه آنها هستند که تصمیم گیرنده اند.

پس جامعه کمونیستی چگونه است؟ یک جنبه از نقد و ایراد اساسی کمونیستها به جامعه سرمایه داری

اتفاقا همین یکنواختی و بی اختیاری و بی ارادگی اکثریت مردم است. جامعه کمونیستی بنا به تعریف قرار است درست عکس این باشد. قرار است یک جامعه متنوع و رنگی و شاد و پر از ابتکار و خلاقیت باشد. جامعه کمونیستی یعنی جامعه ای که انسان به مفهوم دقیق کلمه متولد میشود؛ صاحب اختیار میشود؛ صاحب ابتکار میشود؛ دنیا را به دست میگیرد و بر مقدرات زندگیش حاکم میشود. مردم خود تصمیم میگیرند که ثروتهای چگونه تولید شود، چگونه هزینه شود، افراد چگونه زندگی کنند و غیره. اگر غیر از این باشد معنی ندارد که انسان بخواهد برای جامعه کمونیستی مبارزه کند. ما می خواهیم دنیا را روی قاعده درست خود قرار دهیم. وارونگی ها را از بین ببریم. این یک منطق ساده انسانی و آزادی همیشگی بشر است که صاحب اراده و اختیار باشد. کمونیسم از این آزادی ساده و ملموس بشری سرچشمه میگیرد و نه از طرحهای پیچیده و از قبل تعیین شده و تصمیم گرفته شده. بحث کمونیستها اینست که میشود و باید طور دیگری زندگی کرد. میشود دنیای بهتری داشت. میشود از منطق انسانی ای پیروی کرد که یک اقلیت بی خاصیت بر همه چیز حکومت نکنند. بشر سزاوار زندگی بهتری است. کمونیسم یعنی همینها.

به دوره کنونی و عصر اینترنت و تکنولوژی ارتباطاتی و مدیای اجتماعی فکر کنید. ببینید چقدر امکانات امروز برای دخالتگری مردم در زندگی شان وجود دارد که ده بیست سال پیش قابل تصور برای بشر نبود. آیا از این تکنولوژی به نفع زندگی بشر استفاده میشود؟ نه. برعکس دولتهای طبقه سرمایه دار از این امکانات برای کنترل و تفتیش

و به بند کشیدن اکثریت مردم استفاده میکنند. این منطقی نیست. این یک نظم وارونه است. این زندگی سزاوار انسانیت نیست و یک کودک هم میتواند بفهمد که اینها را میشود تغییر داد. فقط باید مقاومت و توطئه گری یک اقلیت مفتخور بی خاصیت را در هم شکست. کمونیسم داستان زندگی انسانی است. داستان بازگشت اختیار به انسان است. داستان حاکم شدن منطق انسانی بر زندگی است. در عین حال کمونیسم صرفا یک آرزوی ساده نیست. از نفس زندگی و پیشرفت و صف بندی های اجتماعی و بی منطقی جامعه موجود و منطق حرکت اجتماعی و طبقاتی سرچشمه میگیرد و به همین دلیل هرروز بیشتر و بیشتر نشان داده میشود که عملی است. وقتی بخش قابل توجهی از جامعه باور پیدا کنند که میشود زندگی بهتری داشت و ناچار میشوند برای آن تلاش کنند، دست به کار میشوند و کاری میکنند. وقتی باور کنیم که میشود این چنین دنیایی ساخت امکانش هم فراهم میشود. و وقتی چنین شود دنیایی خواهیم داشت پر از مهر و محبت و ابتکار و رنگارنگی و شادی. هیچ تردیدی در این که نظم موجود بی منطق و غیر قابل دوام است نباید داشت.

میدانیم که تاکنون چندین بار در جوامع مختلف انقلابات و حرکت های اجتماعی برای خلاص شدن از وضع موجود صورت گرفته و بعد از مدتی متاسفانه به شکست کشیده شده است. اما همین تجربیات در عین حال هم عملی بودن و هم زیبا بودن

کمونیسم و جامعه انسانی را نشان داده است. کمون پاریس یکی از این تجربیات بود که کارگران برای مدت دوسه ماهی شهر پاریس را در اختیار گرفتند و انسانی ترین و آزادترین مناسبات و قوانینی را که تا آن زمان قابل تصور بود بلافاصله به اجرا گذاشتند. انقلاب اکتبر روسیه یکی دیگر از این تجربیات بود که در آن توده کارگران و مردم زحمتکش علیه تزار و دولتهای متعدد دست به قیام زده، انقلاب کردند و قدرت را بدست گرفتند و محاصره دهها ارتش کشورهای سرمایه داری را شکستند و بر سر قدرت ماندند و طی همان چند سال اول رابطه و مناسبات انسانی ای را برپا کردند. چند سال طول کشید که این انقلاب در شرایط جنگ و محاصره اقتصادی اسیر ناسیونالیسم و سرمایه داری دولتی شد و به شکست کشید. اما اینهم یک تجربه بسیار با ارزش بود که با اتکا به آن قطعا میشود گامهای بعدی را دقیق تر و سنجیده تر برداشت. این ها مواردی از تجربیات تاکنونی است. شکست این تجربیات در برابر تعرضات طبقه سرمایه دار نشان نمیدهد که نمیشود کاری کرد. برعکس دستاوردها و درسهای این تجربیات نشان میدهد که میشود موفق شد. میشود کاری کرد و میشود جلوفت و دنیا را از دست حاکمان مفتخور کنونی که بدون هیچ منطقی همه کاره اند خلاص کرد.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:



ما باید از سکولاریسم دفاع کنیم!

گفتگو با مینا احدی

برلین، سایت هومانیتسهای آلمان - مینا احدی که یکی از سرسخت ترین منتقدین اسلام سیاسی است در گفتگویی با سایت هومانیتسها در مورد ترور در پاریس، تقلاهای سازمانهای اسلامی و مباحث مربوط به پناهندگی اظهار نظر کرده است.

این مصاحبه توسط فلورین شفایی انجام شده است.

سوال: تروریستها با این حملات میخواهند به کجا برسند؟

مینا احدی: تروریستهای اسلامی تقلا میکنند اکنون بیش از پیش اروپا را نا امن کنند، کمی متفاوت از حمله به چارلی هیلو. این بار مردم عادی در مرکز توجه و حمله تروریستها بودند. پیام جنون آمیز تروریستها این بود که شما را در هر زمانی و هر جا میتوانیم مورد حمله قرار دهیم.

سوال: الان چه باید کرد؟

مینا احدی: ما نباید فراموش کنیم که این مشکلات قدیمی است و همچنین این مشکلات به سیستم سرمایه داری ربط مستقیم دارد. متأسفانه جنبش اسلامی هم اکنون و از طرف دولتهای غربی مورد

مهم اینست که دولتهای غربی و از جمله دولت آلمان باید سیاست جدی تر و سخت تری در مقابل حکومتهای ضد انسان اسلامی داشته باشند. ما باید دولتهای غربی را زیر فشار بگذاریم تا علیه حکومتهای اسلامی تحریم سیاسی اعمال کرده و روابط و همکاری خود با این حکومتها را قطع کنند.

سوال: آیا ربط مستقیمی بین تروریسم اسلامی و بحث پناهندگی وجود دارد؟

مینا احدی: من شخصا از اسلام سیاسی گریخته و حدود ۳۶ سال است که خانواده ام را ندیده ام و دقیقا میدانم که چه دلایلی پشت فرار و پناهندگی وجود دارد. بسیار خوشحالم که در آلمان امکان یک زندگی عادی را پیدا کرده ام. سالهای سال است که میلیونها نفر از مردم در کشورهای اسلامزده مورد حمله تروریستها هستند. روزانه این مردم مورد خشونت و سرکوب قرار میگیرند. در اروپا باید همه این مشکلات را ببینند و برای یک سیاست انسانی پناهندگی تلاش کنند. اروپا نباید پرنسپهای انسانی خود و ایده آلهای انسانی را که سالها برای آن مبارزه شده از جلوی چشم

اسلامزده به آلمان آمده اند، نمیخواهند با سازمانهای اسلامی و یا مذهب ربطی داشته باشند ولی سازمانهای اسلامی با وقاحت اعلام میکنند که نماینده ۴ میلیون انسان هستند. این درست نیست. این سازمانها تقلا می کنند که در سیاست نقش و جایگاه بیشتری پیدا کنند. متأسفانه سیاست رسمی در آلمان با این جهتگیری اسلامی ها همسو است، بجای اینکه حقوق فردی و نقش فرد را ببیند.

سیاست رسمی در آلمان متأسفانه یک تصویر غلط میدهد که گویی مردم از کشورهای اسلام زده يك جمع و یا امت هستند که مثل هم فکر میکنند و نماینده همه آنها جریانها مرتجع اسلامی هستند. این واقعی نیست و به نفع جنبش اسلامی و به نفع رشد جریانها اسلامی است. باید فوراً بر این سیاست خطرناک نقطه پایانی گذاشته شود.

با تشکر از شما برای شرکت در این گفتگو

خود دور کند. پناهندگی يك حق انسانی است و دفاع از پناهندگان نباید فقط در مورد اعتراض به بستن مرزها در اروپا باشد بلکه موانع و عدم درک زمینه ها و علل پناهندگی در افکار و مغز انسانها باید فرو بریزد. همچنین تاکید میکنم که بسیار مهم است مرزهای اطراف اروپا برداشته شود. متأسفانه این روزها پوپولیستها سعی میکنند برای خود از ترور و حملات تروریستی خوان یغمایی داشته باشند. این يك مشکل بزرگ است که اجازه نداریم آنرا ندیده بگیریم. ما باید بیش از اینها در واقعیت علیه این تقلاهای دست راستی فعالیت کنیم حتی اگر این سازمانها مثل سازمان آترناتیو برای آلمان آ. اف. د در پرده دفاع از حقوق شهروندان قایم شوند.

سوال: سازمانهای اسلامی کدام نقش را میتوانند در بحث انتگراسیون بازی کنند؟

مینا احدی: مردمی که از کشورهای

مناسبات و روابط و اجرائیات حزبی از سطح هیات اجرایی و رهبری تا کمیته ها و کل بدنه حزب.

۱۱- استفاده فعال از مدياي اجتماعي در فعاليتهاي مبارزاتي در خارج و داخل کشور و در روابط و فعل و انفعالات درون حزبي

۱۲- تعيين و عملي کردن راهها و پروژه های میان مدت و دراز مدت برای تامین مالی حزب

جهنگیری و اولویتهای رهبری حزب ...

صفحه ۷

اجتماعی (فعالین و نهادهای چپ) در خارج

۹- نقد فعال نظرات و سیاستهای ناسیونالیسم قومی (کرد و عرب و بویژه ناسیونالیسم آذری)، ملی- اسلامی ها، و نیروهای راست پرو دول غربی

۱۰- مدرن و به روز کردن سازمان حزب. مدرن و موثر و کارآمد کردن

ریاضت کشی، تبعیضات فاحش طبقاتی و فاصله عظیم بین فقر و ثروت، نابودی محیط زیست، و ...)

۸- باز تعریف فعالیت مبارزاتی در خارج کشور بر مبنای سیاست دخالتگری در شبکه های پراتیک اجتماعی و ایجاد ارتباط با چپ

جشن و مراسم در گرامیداشت بیست و چهارمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری

فرانکفورت (آلمان): یکشنبه ۶ دسامبر از ساعت ۴ بعدازظهر در رستوران آبیتر KGV Häuserwiese, Friedrich-

Wilhem-von Staubenstr.20

انترناسیونال

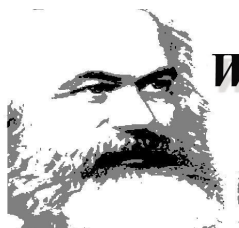
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

همکاران: سیامک بهاری، نسان نودینیان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org